



اطلاعیه برگزاری یازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

– ضمناً کنگره این پیشنهاد را که بخش "غلبه بر تبعیض ملی" از طرح برنامه، که حول آن ۴ طرح دیگر نیز به کنگره داده شده بودند، به عنوان جزئی از برنامه اما با اختصاص وقت ویژه به آن رسیدگی شود، پذیرفت.

کنگره موفق شد پس از تعیین طرحهای پایه برای موضوعات برنامه، اساسنامه، مسئله ملی-قومی، سیاستها و راستاهای فعالیت سازمان در دوره آتی، و قطعنامه در مورد "وحدت و اتحاد نیروهای چپ"، به بخش و یا تمام پیشنهادهای داده شده حول این یا آن موضوع دستور رسیدگی کند. سرانجام کنگره به کلیات طرح برنامه جهت اجراء رأی تمایل داد و مقرر کرد که کار کمیسیونی روی آن ادامه یافته و نتیجه کار به کنگره آتی ارائه شود، همچنین کلیات طرح اساسنامه را جهت اجرا تصویب و مقرر کرد که کار کمیسیونی روی آن ادامه یافته و نتیجه کار به کنگره آتی ارائه شود. دیگر طرحها و قراردادهای پیش گفته تماماً از تصویب کنگره گذشتند.

کنگره با انتخاب ارگانهای مرکزی شامل: شورای مرکزی سازمان، هیئت رسیدگی به شکایات و داور، و کمیسیون نظارت مالی به کار خود پایان داد.

شمار قابل توجهی از سازمانهای سیاسی ایرانی و خارجی، هیئت نمایندگانی را به کنگره اعزام کرده یا به آن پیام داده بودند. این نمایندگان و دیگر شخصیتهای سیاسی و دوستداران سازمان حاضر در کنگره مشارکت مؤثری در مباحث کنگره داشتند. در دو شب از شبهای کنگره دو میزگرد، یکی در مورد انتخابات و دیگری در مورد وحدت نیروهای چپ، با شرکت نمایندگان کنگره و مهمانان آن برگزار شدند. جریان کنگره از طریق اینترنت قابل پیگیری بود. یازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شنبه شب ۲۱ فروردین به کار خود خاتمه داد.

دبیرخانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۳ فروردین ۱۳۸۸ (۱۲ آوریل ۲۰۰۹)

دبیرخانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از این طریق برگزاری یازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به اطلاع می‌رساند. این کنگره در روز چهارشنبه ۱۹ فروردین (۸ آوریل) آغاز شد و با رسیدگی به موضوعات در دستور شطی ۴ روز، شنبه ۲۲ فروردین به کار خود پایان داد.

کنگره کار خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد رفیق بیژن جزنی و ۸ نفر دیگر از کادرهای فدائی و مجاهد که در تبه‌های اوین توسط رژیم شاه به قتل رسیدند، و نیز به یاد سایر جانباختگان راه آزادی، ترقی و عدالت آغاز کرد.

موضوع اصلی در دستور کار کنگره یازدهم سازمان رسیدگی به دو سند پایه‌ای، یعنی برنامه و اساسنامه، بود. کنگره دهم سازمان، منعقد در فوریه ۲۰۰۷، کمیسیونی را انتخاب کرده (کمیسیون اسناد پایه) و تدوین طرح اسناد پایه‌ای سازمان را به آن سپرده بود. کمیسیون طرح برنامه و طرح اساسنامه را تنظیم کرده و به کنگره یازدهم ارائه کرده بود. علاوه بر این دو طرح، موضوعات زیر نیز در دستور کار کنگره قرار داشتند:

– رسیدگی به گزارش کار ارگانهای منتخب کنگره دهم شامل شورای مرکزی، هیئت رسیدگی به شکایات و داور (رشد) و کمیسیون اسناد پایه

– تصویب سیاستها و راستاهای فعالیت سازمان در دوره آتی

– رسیدگی به چند قرار و قطعنامه از جمله:

* قطعنامه در مورد "وحدت و اتحاد نیروهای چپ"

* قرار در مورد "تداوم کار بررسی علل و عوامل ضربات سال ۶۵"

* قرار در مورد سیاست سازمان در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲

* قرار در مورد "تحقیق پیرامون ۲ الی ۴ قتل واقع شده در سالهای ۵۲ تا ۵۶ در درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

* قرار در مورد بازتوسسی آئین نامه کنگره‌های سازمان

– انتخاب ارگانهای سازمان برای دور آتی فعالیت آن شامل شورای مرکزی، هیئت "رشد" و کمیسیون نظارت مالی



سرمقاله

جنبش کارگری و اتحاد چپ

مبارزه سیاسی نیز مانند تمامی کنش‌های اجتماعی نیازمند ابزارهایی مناسب می‌باشد. مبارزه علیه حکومتی مستبد و مذهبی که هیچ‌گونه اعتراض و صدای دگراندیشی را برنمی‌تابد. هر حرکتی را با سرکوب و زندان، شکنجه و اعدام پاسخ می‌گوید. حکومتی که آزادی‌های سیاسی را بکلی نادیده گرفته، حقوق شهروندان را نقض می‌کند. حکومتی که تمامی توان شیطنی خود را برای ایجاد تفرقه و تشتت بین نیروهای اپوزیسیون، خصوصاً نیروهای چپ و ترقی‌خواه بکار گرفته. حکومتی که سی سال آزرگار سایه وحشت و ترس آن در جای جای میهنمان حس می‌گردد. مبارزه علیه چنین نظامی مستلزم راهکارها و ابزارهایی کارآمد می‌باشد.

دهها بار سران رژیم ادعا نموده‌اند که جمهوری اسلامی در متفرق و مشتت نگهداشتن مخالفین خود، در طی این سی سال موفق عمل نموده، و بایستی اذعان نمود که حق با آنهاست. این که نیروهای اپوزیسیون چگونه نمی‌توانند این ترغند رژیم را عقیم گذارند و سی سال است که آب به آسیاب جمهوری اسلامی می‌ریزند، خود جای بسی حرف دارد. آیا نیروهای اپوزیسیون خصوصاً چپ بقدری آلوده‌اند که در این راستا با مقامات امنیتی جمهوری اسلامی همراه شده‌اند؟ و هر بار که قدمی بسوی اتحاد و همدلی برداشته می‌شود صداهایی گوش‌خراش و تکراری از موضع اولترا چپ یا راست به مخالفت برمی‌خیزند. و بسان زندانبانان اوین خواهان تقریر توبه‌نامه‌ای می‌شوند و نبش قبر می‌کنند. بی آنکه به وزن و توان خویش نظری بیان‌دارند. نه کاری می‌کنند و نه می‌گذارند دیگری قدمی بردارد.

بارها و بارها این درد مشترک را فریاد زده‌ایم. متأسفانه تا یکی دو سال گذشته کمتر گوش شنوایی داشته‌ایم. ولی جای بسی

ادامه در صفحه ۲

در این شماره:

- با احزاب و سازمانهای چپ
- روز جهانی کارگر، خجسته باد!
- شماره‌ای از جنبش کارگری
- جهانی شایسته کودکان
- استثمار را متوقف کنید!
- تغییر قانون کار ...
- از میان رویدادهای ایران و جهان

روز جهانی کارگر، خجسته باد!

اندک- اندک، با گامهایی به بلندای هر روز، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران جهان نزدیک می‌شود. روز اول ماه مه سمبل انقلاب و مبارزه آشتی‌ناپذیر بین طبقات ستمگر و ستمدیده است.

صفحه ۴

دگرگونی در نقش اجتماعی و اقتصادی زنان

جمهوری اسلامی، نظامی که زندگی را برای زنان در سراسیری زوال قرار داده، و با نقض ارزش‌های انسانی تمامی این ارزش‌ها را به نام دین به فساد کشانده است. زندگی را برای همه انسان‌ها روز از پی روز سخت‌تر می‌کند و چنان می‌نمایاند که راهی جز این‌گونه زیستن نیست.

صفحه ۷

انتخابات رئیس جمهوری و تحریم آگاهانه

به تحقیق می‌توان ادعا نمود که طی دو سده اخیر، انتخابات شیوه‌ای مقبول و مطلوب برای گزینش رهبران سیاسی و زمامداران حکومتی در سرتاسر جهان بوده است.

صفحه ۱۳



ارتباط با ما:

Kar-dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

ادامه سرمقاله صفحه ۱

اول ماه مه

چیز مهمی نیست، تنها یکی از ما
تنها حیات حقیر انسانی، ویران شده
تنها ذره‌ای ناچیز از جهان
در جهنم ماشین‌ها، کارخانه‌ها و خرده‌پاش‌ها
درهم شکسته است، خرد شده است، متلاشی شده است ...

بگذار خدا نداند و تار از پود زندگی بگسلد.

به ندای بهار، ناگاه الهه‌ای پر حرارت

آنان را گرفته، برافروخته است.

در جهشی ناگهانی از عشق

در خیزی از نفرت

پس مانده‌های پامال شده به یکدیگر در آمیخته‌اند

به توده‌های سوزان و آتش‌فشانی

جوشان و رازآمیز مبدل شده‌اند.

و امروز، اینک آن توده مائیم.

جوانی ما، که دیری است از یاد رفته

در نهان به گمان دریافته و هرگز تصاحب نشده

امیال ما، که بتدریج از دست رفته‌اند

رویاهای ما، که هرگز تاجی از پیروزی برسر نهنده‌اند

زندگی ما، دستخوش تیره‌روزی و شرمساری

همه ناگاه از این حرارت سوزان شعله‌ور می‌شوند

و بلند و تابناک زبانه می‌کشند.

هرچند اکنون به‌وضوح نمی‌توانیم شادی کنیم

و نمی‌توانیم در آرامشی به سوی هدف‌های نجیب خویش گام برداریم

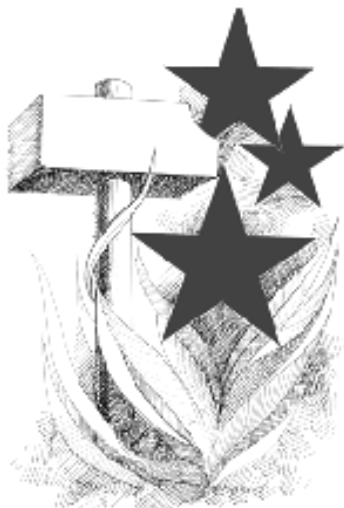
با این همه، ما خداوند سرنوشت خویشیم.

بهاریم، جوانی هستیم، سپیده دمیم

و نخستین روز مه، روز ماست، از آن ماست!

“ارنست فیشر”

اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر گرامی باد



خوشوقتی است، نشانه‌های امیدوار کننده و حرکات شادی‌بخشی را در ماه‌های اخیر از نزدیکی گردان‌های طبقه کارگر و نیروهای چپ کشورمان شاهد بوده‌ایم. موضوع وحدت نیروهای چپ در دستور کار سازمان‌های چپ سوسیالیستی قرار گرفته است. مهم‌تر از آن بحث نظری اتحاد در بین هواخواهان احزاب و سازمان‌های چپ روز به‌روز عمق بیشتری می‌یابد. در دوسال اخیر و خصوصاً در چند ماه گذشته این موضوع بخشی از نشست‌های جریان‌ات چپ را بخود اختصاص داده است. هر روز دهها مقاله و نوشته در سایت‌های اینترنتی و نشریات حزبی و غیر حزبی به این موضوع می‌پردازند. در سی سال گذشته هیچگاه به این اندازه خود را برای رسیدن به این خواست مبرم جنبش سوسیالیستی کشورمان نزدیک ندیده‌ایم.

بخشی از وقت کنگره اخیر سازمان ما نیز به این موضوع اختصاص داشت. در تمامی برنامه‌های پیشنهادی به کنگره، بشکلی بارز به موضوع اتحاد پرداخت شده بود. وحدت تشکیلاتی سه سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، اتحاد فدائیان خلق ایران و شورای موقت سوسیالیست‌های ایران برای تشیل حزبی واحد، موضوع دیگری در راستای وحدت چپ بود. که با انتشار مباحث کنگره و تصمیمات آن، هرچه بیشتر در جریان چگونگی این فرآیند قرار خواهیم گرفت.

اینک در آستانه روز جهانی کارگر آنچه برای ما بیشتر از همه موضوعیت پیدا نموده، اتحاد چپ برپایه موضوعات جنبش کارگری کشورمان است. البته هواخواهان جریان‌ات چپ در داخل کشور فارغ از اختلافات ریشه‌دار و بی‌انتهای رهبران مستقر در خارج، در تمامی عرصه‌های مبارزاتی اتحاد و همکاری خود را پیش می‌برند. ولی در برهه‌های از مبارزه و در انتخاب شیوه‌های مبارزاتی گاه‌ها اختلافات رهبران، در داخل کشور نیز انعکاس می‌یابد. ما همه جریان‌ات چپ کشورمان را فرامی‌خوانیم از هواداران خود در داخل کشور بخواهند بدون تأثیرپذیری منفی از اختلافات و تفاوت‌های تشکیلاتی، همکاری‌های متقابل خود با دیگر رفقای چپ را برپایه شناخت‌های شخصی و اعتماد متقابل گسترش دهند. خصوصاً اگر این همکاری برای ارتقاء جنبش کارگری کشورمان باشد.

رفقا! اگر صفت ممیزه چپ، مبارزه برای عدالت اجتماعی و آزادی زحمتکشان است، پس چرا این موضوع نتواند مبنای اتحاد و نزدیکی گردان‌های متعدد آن باشد؟ براستی کدام موضوعی را بهتر از مسائل کارگری و مبارزات طبقاتی آن برای همکاری احزاب و سازمان‌های چپ سوسیالیستی سراغ داریم؟ و اگر بر سر این خواست اتفاق نظر داریم، چه مسائلی از جنبش کارگری را می‌توان برای کار مشترک طرح نمود؟ به نظر ما می‌توان از کمترین خواست‌ها شروع و به خواست‌های بنیادین فراروئید. مواردی چون:

- آزادی بدون قید و شرط کارگران زندانی
- مبارزه برای ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری
- لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران قراردادی
- افزایش دستمزدها
- افزایش حداقل دستمزدها
- توقف اخراج‌ها و بازگشت تمامی کارگران اخراجی بر سر کار
- پوشش تأمین اجتماعی و برخورداری همه از بیمه‌های تأمین اجتماعی
- بیمه بیکاری با شمولیت تمامی کارگران
- پرداخت حقوق‌های معوقه
- کار برای تمامی افراد
- ایجاد مسکن مناسب برای تمامی کارگران
- آزادی‌های سیاسی و صنفی برای تمامی شهروندان

نشریه کار داخل کشور تریبونی برای انعکاس صدای متحد شماسست. تریبونی برای دفاع از مبارزات کارگران و کمونیست‌های کشورمان و تریبونی برای دفاع از “سوسیالیسم، صلح، استقلال، آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی” است. ما خوشحال خواهیم بود مبارزات متحدانه شما رفقای خود را در راه سعادت و بهروزی زحمتکشان انعکاس داده و در این مبارزه سهمی داشته باشیم.

با احزاب و سازمانهای چپ

جمعی از اعضا و هواداران سازمان فداییان خلق ایران از گروههای انشعابی سابق نامه ای از رفقای فدایی داخل ایران به مسئولین سازمان

روز به روز شاهد تحلیل رفتن سازمان در قلههای کوچک و ناچیز و غیر تاثیرگذار می شویم، نمی دانیم این مقوله را چگونه ارزیابی کنیم؟ رفقا تا کی می خواهیم اسیر ترندهای کنیف رژیم که همانا گریز و دفع است باشیم؟ تا کی باید مسیر تفرقه و جدایی را طی کنیم؟ آیا دیگر وقت آن نشده تا ابتدا خود به یکدستی برسیم بعد انتظار همراهی توده ها را داشته باشیم؟ بدانیم و فراموش نکنیم که امروزه توده ها آگاه تر از گذشته هستند پس بکوشیم در این رهگذر از آنان عقب نمانیم، وای بر روزی که چنین اتفاقی بیفتد آنگاه ما چه پاسخی به رفقای شهید و آرمانهای انسانی آنان خواهیم داشت؟ مبادا روزی در دادگاه تاریخ و در پای میز محاکمه خلق پاسخی برای گفتن نداشته باشیم؛ باید پاسخگو باشیم و بدانیم وظیفه و عملکرد ما بیش از پیش حساستر و خطیرتر از گذشته است.

پیش به سوی جبهه متحد خلق برای رهایی

ما مسئولیم، دست به کار شویم رفقا

ما مجموعه اعضا و هواداران سازمان فداییان خلق ایران در انشعابهای مختلف ضمن تاکید بر پایه گذاری جبهه متحد برای رهایی، توجه رفقا را به موارد پیشنهادی برای برداشتن گامهایی هر چند کوچک جلب می کنیم:

- ۱- اجتناب و دوری از طرح مسایل اختلاف انگیز در جنبش.
 - ۲- اجتناب از تصببات گروهی و حزبی.
 - ۳- توجه کامل به سوسیالیسم علمی نسبت به پایه ریزی وفاق و انسجام.
 - ۴- تداوم ارتباط میان دیدگاهها و اندیشه های مختلف موجود در جنبش چپ از راه تفاهم و تبادل نظر و دوری از گوشه گیری و اجتماع گریزی و عدم گرایش به حرکت های محفلی و روشنفکری.
 - ۵- اجتناب از انحرافات اعتقادی و اندیشه های کودکانه.
 - ۶- پرهیز از فتاوی اختلاف انگیز و دوری از اختلافات جزئی که نباید ملاک عمل قرار گیرند و گام های عملی به سوی همدلی نه همزبانی.
 - ۷- پیروی از دیدگاهها و اندیشه های سالم پیشگامان جنبش چپ از گذشته تا کنون .
 - ۸- پرهیز از تفسیر سوسیالیسم با احکام و آرای شخصی و دریافت آگاهی کامل نسبت به مبانی سوسیالیسم علمی و پایبندی به سانترالیسم دموکراتیک.
 - ۹- پرهیز از خود بینی و تکبر و دکماتیسم رهبران و فریب و خیانت برخی از آنان که آفتی بسیار مهم برای جنبش چپ است و همین امر موجب شده است تا پای دشمنان قسم خورده به درون صفوف جنبش باز شود.
 - ۱۰- برخورد منتقدانه با عملکرد گذشته، پذیرش اشتباهات و درس آموختن از آنها.
- جمعی از اعضا و هواداران سازمان فداییان خلق ایران

سخنی چند با رفقای اتحاد فدائیان خلق ایران

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

امروز در میان نیروهای چپ کشورمان، مسئله اتحاد سازمان ما و سازمان اتحاد فدائیان بیش از هر زمان دیگری بوقیعت نزدیک است. این دو سازمان چپ که بر روی یک رگ و ریشه استوارند و مبنای واحدی دارند، مدت ها است که در جهت اتحاد مجدد گام بر می دارند. برگزار کنی کنگره یازدهم سازمان... (اکثریت) و حضور پرشور و فعال رفقای عضو سازمان اتحاد فدائیان در این کنگره، این امیدواری را تقویت می کند که کنگره آتی، می تواند کنگره مشترک این دو سازمان چپ و مبنائی باشد برای وحدت نیروهای طیف های فدائی و چپ کشور قبل از همه همه خواهد بود.

با این وصف، بنظر ما، حل برخی اختلاف نظرها و تفاوتها در نوع نگرش به مهمترین مسائل دور و نزدیک، لازمه دستیابی به وحدت اصولی و پایدار می باشد. در همین رابطه، ما یقین داریم که اعلام موضع صریح رفقای سازمان اتحاد فدائیان ایران پیرامون مسائل زیر، گام بزرگی در جهت وحدت دو سازمان می تواند شمرده شود.

بر کسی پوشیده نیست که برنامه لیبرال - بورژوازی پیشنهادی کمیسیون کار تشکیلات سازمان... (اکثریت)، که کلیت آن به تصویب کنگره رسید، ناظر بر آپولیتسیم (Apolitism)، یعنی خودداری از شرکت مستقیم در جریان مبارزه سیاسی، سرباز زدن از مشی صریح سیاسی، فقدان چهارچوب ایدئولوژیکی مشخص، بی اعتنائی نسبت به مسئله مبارزه طبقاتی و اوضاع جهانی، بویژه امپریالیسم جهانی، دوری گزیدن از توضیح آن در میان مردم و متوجه ساختن اذهان توده ها به مسائل فرعی و کلی می باشد و می دانیم که این روش یکی از مهمترین ابزارهای سیاست بازاز حرفه ای است که در شرایط سرخوردگی عمومی مردم از وعده - وعیدهای دولت و سیاستهای آن، در جامعه رواج داده می شود.

به مبارزه متحدانه کارگران برای افزایش دستمزدها پیوندیم!

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مطابق ماده ۴۱ قانون کار، افزایش دستمزد سالیانه کارگران همه ساله بایستی با احتساب نرخ تورم

و بر اساس سبد هزینه مایحتاج خانوار به نحوی تعیین گردد که قدرت خرید و سطح زندگی کارگران حفظ گردد. گرچه همه ساله این ماده از قانون کار مبنای تعیین دستمزد کارگران اعلام می شود، اما این قانون به دلیل ممنوعیت فعالیت سندیکاها و عدم حضور نمایندگان واقعی کارگران در ترکیب و تصمیم گیری شورای عالی کار، به طور واقعی به اجرا گذاشته نمی شود.

مبنای قرار ندادن نرخ واقعی تورم و سبد هزینه خانوار در طول سال های گذشته، موجب شده است که مداوما دستمزدها از رشد تورم عقب بماند و سطح زندگی کارگران رو به افول گذارد و میلیون ها کارگران به جانب فقر سوق یابند.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از مبارزه متحدانه کارگران برای افزایش دستمزد و از بهره مند شدن آنها از حقوق سندیکائی، قاطعانه پشتیبانی می کند. ما همراه با کارگران خواهان افزایش واقعی دستمزد و قدرت خرید کارگران و مزدبگیران هستیم تا آن ها بتوانند از یک زندگی انسانی برخوردار گردند.

بهار آمد!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دو نگاه به بهار و نوروز و عید، یعنی نگاه مردم و نگاه حاکمان دین، نگاه طراوت و شادی و شور زندگی و نگاه غم و ندره و زاری و وعده ی زندگی آن جهانی، نگاه زندگی مدنی و انسانی و نگاه منکراتی به همه شادی های زندگی، هر سال در چهارشنبه سوری، در عید نوروز و در سیزده بدر، در جنگی تمام عیار، با هم درگیر می شوند.

اما در این جنگ سی ساله، مردم پیروز بوده اند. و هر سال حاکمان دین و پاسداران شب، مجبور شده اند دست به عقب نشینی های ملموسی بزنند. آنان نمی خواهند بفهمند که در برابر زندگی، تاب نخواهند آورد. تلاش های مذبوحانه شان محکوم به شکست است. مردمی که قرن ها از شادی و سرور و زندگی انسانی حراست کرده اند، اجازه نخواهند داد حق زندگی انسانی و شاد از آن ها گرفته شود. بهاران خجسته و نوروز پیروز بر همه شما مبارک باد!

بازداشت گسترده فعالان کارگری در آستانه اول ماه مه

سازمان فدائیان (اقلیت)

همزمان با نزدیک شدن یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر، ۱۰۰ نفر از فعالین کارگری و اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" دستگیر شدند.

جمهوری اسلامی که در مقابله با جنبش های اجتماعی به ویژه جنبش کارگری ایران همواره زبان تهدید، سرنیزه و زندان را به کار گرفته است، هم اکنون پیشاپیش به مقابله با روز جهانی کارگر و جشن اول ماه مه برخاسته است. دستگیری این تعداد از فعالین جنبش کارگری، آنهم به جرم همدردی با خانواده غالب حسینی، نشان از اوج وحشیگری و اقدامات سرکوبگرانه رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران، علیه کارگران، توده های زحمتکش و فعالین کارگری ست، و این نشان می دهد که جمهوری اسلامی تا چه حد از اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران در وحشت و هراس است.

دستگیری اعضای کمیته هماهنگی، ایجاد فضای رعب و وحشت در آستانه اول ماه مه!

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

در مورخه ۲۸/۱/۸۸ در پی نشست اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" با خانواده ی کارگر زندانی غالب حسینی که به اتهام شرکت در مراسم اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۸۷ دستگیر و زندانی شده بود، در ساعت ۱۱ خانه آقای حسینی به محاصره پلیس و نیروهای امنیتی در آمد و کلیه اعضای کمیته هماهنگی حاضر در آن محل دستگیر شدند. حضور دوستان اعضای کمیته هماهنگی در محل مورد نظر در راستای پیوند طبقاتی و اعلام حمایت از خانواده ی غالب حسینی و عبدالله خانی و یافشاری بر حقانیت اینکه برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ابتدائی ترین حق کارگران و فعالین کارگری بوده و با این باور که حمایت از دوستان کارگر زندانی جز کوچکترین وظائف طبقاتی ما بوده و هست، صورت پذیرفت.

ما اعضای کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن این بر خورد سرکوب گرانه از استقامت دوستان بازداشت شده در دفاع از مطالبات به حق خود، منجمله دفاع از عضویت در کمیته هماهنگی و دفاع از کارگران زندانی در بند، شایسته میدانیم به این عزیزان درود فرستاده و ما از چنین دفاع محکم و طبقاتی در مسیر آرمان های بلند و انسانی طبقه ی کارگر صمیمانه پشتیبانی می کنیم. زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

به استقبال اول ماه مه، روز تجلی همبستگی کارگران ایران و سراسر جهان برویم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

اول ماه مه امسال در شرایطی برگزار میشود که بحران جهانی سرمایه داری گندیده گی این نظام استثمارگر و جنگ افروز و مملو از تبعیض و نابرابری را به عیان در مقابل دیدگان بشریت به نمایش گذاشته است. تبعات ویران کننده این بحران مثل همیشه و بیش از پیش شامل حال طبقه کارگر و تهی دستان جوامع مختلف میشود و امواج آن بر در هر خانه ای و ویرانه ای که میکوبد، نا آگاه ترین فرد اجتماع را بیدار کرده و هشدار میدهد که عامل اذبار تو و این دنیای مملو از ستم و استثمار و زور و سرکوب و جنگ و ویرانی و بیکاری و بی خانمانی، همانا نظام طبقاتی است. و آنگاه که این آگاهی اولیه به آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی ارتقا یابد. زجه ها و ناله ها و امیدواریهای واهی به خداوندان آسمان و زمین، به فریاد "یا مرگ یا سوسیالیسم" تبدیل خواهند شد.

روز جهانی کارگر، خجسته باد!

امان نبوده و در جوّ خفقان و دیکتاتوری حاکم بر کشور، به سختی سرکوب می‌شود. مبارزه طولانی مدت کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه و سرکوبی آنها، زندانی کردن رهبران سندیکاهای کارگری، تنها یک نمونه از هم‌سوئی و هم‌آوایی رژیم جمهوری اسلامی با همتایان غربی خود در تجاوز بی‌پرده به حقوق کارگران است. حاکمان بورژوا-مذهبی ایران با معاف کردن کارگران کارگاه‌های کمتر از ده نفر از حقوق لحاظ شده در قانون کار و لغو بیمه بیکاری کارگران پروژه‌ای، دست کارفرمایان را در اخراج کارگران بازتر کرده است. آنها در اجرای بند "ز" مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، می‌توانند به بهانه رکود اقتصادی و بحران، بی‌هیچ ملاحظه‌ای هر تعداد کارگر را از کار بیکار سازند.

امسال، در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که، امپریالیسم آمریکا از بخش بزرگی از آمریکای لاتین که تا همین چند سال پیش حیاط خلوت خود می‌شمرد، بیرون رانده شده است و اخبار، با پیروزی کاندیدای جبهه فارابوندو مارتی در انتخابات السالوادور، یکی دیگر از سنگرهای خود را در منطقه از دست داد. در منطقه خاورمیانه، یکی از مهمترین مناطق استراتژیک برای ادامه حیات سرمایه‌داری جهانی، پای در گل مانده است. این همه، درحالیست که از مدتها پیش، اعتصابات عمومی، اعتراضات، ناآرامیهای دائمی، آشوب‌های ناشی از بحران مالی و ورشکستگی اقتصادی، تقریباً همه کشورهای پیشرو سرمایه‌داری و امپریالیستی، را در نوردیده است. مردم اروپا هم‌زمان با برگزاری اجلاس سران کشورهای گروه ۲۰ در لندن، تابوت سرمایه‌داری را دفن کردند که این همه، عموماً نشان از ماهیت و خصلت ضد سرمایه‌داری اعتراضات مردمی دارند. بطور کلی، مجموعه حوادث جهانی و روند تکاملی آنها، تشدید و تعمیق بحران کنونی سرمایه‌داری، ناقوس مرگ امپریالیسم را بصدا در آورده است و نوید آزادی کارگران و زحمتکشان از زنجیر پیوسیده سرمایه‌داری را در گوش استعمارشوندگان و همه قربانیان ستم دیرپای سرمایه‌داری زمزمه می‌کند.

امسال، با مبارزه برای آگاه سازی و سازماندهی گسترده‌تر طبقه کارگر، با اعلام و توضیح مطالبات، خواسته‌ها و آرمان‌های بنیادین آن و تلاش در جهت اتحاد همه نیروهای انقلابی و پیوند مبارزه انقلابی کارگران با مبارزات برابری-طلبانه زنان، آزادی‌خواهانه دانشجویان و دیگر سازمان‌ها و تشکل‌های مدنی به استقبال اول ماه مه، روز جهانی کارگر می‌رویم. و برای نیل به امر آزادی طبقه کارگر از زیر ستم سرمایه و تبعات ویرانگر ناشی از استثمار و بهره‌کشی خشن، مبارزه خود را بر علیه امپریالیسم، ارتجاع و نژادپرستی تشدید می‌بخشیم. در اوضاع و احوال کنونی جهان، در شرایط احتضار نظام ارتجاعی سرمایه‌داری، مبارزه با طرح‌ها، اقدامات و راهکارهای فریبکارانه امپریالیسم و تبلیغات مسموم کننده آن و مبارزه با افکار، اندیشه‌ها و برنامه‌های تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه در میان نیروهای طیف چپ، مهمترین و تأخیرناپذیرترین وظیفه همه نیروهای انسان‌دوست، ترقی‌خواه و عدالت‌طلب است.

امروز، در شرایط شکست قطعی جهانی‌سازی امپریالیستی، امکانات گسترده‌تری برای طرح خواسته‌های بنیادی-تر طبقه کارگر، پیشروی نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی و تلاش در جهت برقراری نظم نوین اجتماعی فراهم شده است. و ما بعنوان عضوی از خانواده بزرگ نیروهای بالنده چپ ایران و جهان، تمام توان خود را بعد از این نیز در جهت تحقق آرمان‌های انسانی طبقه کارگر بکار خواهیم گرفت و در اجرای وظایف انقلابی خود، دست اتحاد بسوی همه نیروهای مترقی دراز نموده و امیدواریم برگزاری هر چه باشکوه‌تر روز جهانی کارگر، فرصت مناسبی برای اتحاد و مبارزه متشکل در راه احقاق حقوق پایمال شده کارگران ایران و جهان فراهم آورد.

اندک-اندک، با گامهایی به بلندی هر روز، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران جهان نزدیک می‌شود. روز اول ماه مه سمبل انقلاب و مبارزه آشتی‌ناپذیر بین طبقات ستمگر و ستم‌دیده است. سه سال بعد از سرکوب خونین کارگران شیکاگو آمریکا در سال ۱۸۸۶، که برای ۸ ساعت کار در روز، دست به تظاهرات زده بودند. این روز را انترناسیونال دوم در کنگره پاریس به سال ۱۸۸۹، بنام روز همبستگی جهانی کارگران تعیین کرد. برگزاری پرشور و باشکوه مراسم این روز از آن تاریخ، مظهر و تجلی بزرگداشت و همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان و تجلیل از مقام شایسته کار و کارگر، نقش آفریننده و بی‌بدیل این طبقه در تولید و تأمین نیازمندیهای حیات بشری، بیان دردها، مشکلات و خواستههای مشترک همه کارگران و زحمتکشان جهان است.

طبقه کارگر، بمثابة وسیع‌ترین بخش جامعه، به جهت ویژگیها و خصلت انقلابی خود، همیشه تحت شدیدترین فشارهای طبقات استثمارگر و حاکمیت‌های سرمایه‌داری ارتجاعی قرار گرفته و

سنگین‌ترین صدمات و آسیب‌های اجتماعی را متحمل می‌گردد. نظام سرمایه‌داری با تشکیل ارتش عظیم بیکاران، طبقه کارگر را که فقط با فروش نیروی جسمی و یا فکری خود امرار معاش می‌کند، در رقابت خشن بازاری گرفتار ساخته است تا از این رهگذر، به ارزانتترین نیروی کار دست یابد. طبقه کارگر بمشابه آفریننده تمام نعمات مادی حیات بشری، با حداقل امکانات زندگی، فقط تا حد زنده ماندن و تولید ارزش اضافه تأمین می‌گردد. ایجاد تفرقه و اختلاف در صفوف طبقه کارگر، توسعه ناآگاهی و جلوگیری از بسط دانش و فرهنگ سیاسی- طبقاتی در میان این طبقه انقلابی جامعه، بزرگترین اجحافی است که در حق کارگران اعمال می‌شود. کارگر ناآگاه به راحتی فریب می‌خورد، به سادگی تن به استثمار مفرط می‌دهد و از شناخت حقوق مشروع خود محروم می‌گردد و ... در نتیجه، بخودی خود و بسادگی از درک اهمیت سترگ سازمان‌یابی در تشکل‌های صنفی و سیاسی طبقه کارگر عاجز می‌ماند. درست به همین سبب است که هسته اصلی احزاب و سازمان‌های پیرو جهان‌بینی طبقه کارگر را روشنفکران و تحصیل کرده‌ها تشکیل می‌دهند. با درک این واقعیت است که، مسئولیت خطیر امر آگاه‌سازی و سازماندهی کارگران در تشکل‌های صنفی و نهایتاً، در حزب سیاسی طبقه کارگر، مهمترین وظیفه احزاب و سازمان‌های مبارز مدافع این طبقه می‌باشد.

طبقه کارگر، تنها با مبارزه متشکل در حزب سیاسی خویش می‌تواند نقش تاریخی خود را برای دستیابی به حقوق انسانی و برقراری نظام عادلانه اجتماعی ایفا نماید.

امسال، روز جهانی کارگر در شرایطی برگزار می‌شود که بحران ساختاری نظام غیر انسانی سرمایه‌داری، تمام تار و پود جوامع انسانی را فراگرفته است. بحران عمیق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی- ایدئولوژیک، سایه سنگین مرگ را بر سر حاکمیت سامانه سرمایه‌داری در تمام جهان افکنده است و نرّمهای معمولی حیات بشری در شرایط ادامه موجودیت این نظام، با مخاطره جدی مواجه شده است. در تمام دوره بعد از علینیت یافتن بحران مالی- اقتصادی، سرمایه‌داری بار سنگین بحران خود را، پیش از همه، بر دوش کارگران، زحمتکشان و طبقات پایین دست جامعه انداخته است. لغو مصونیت شغلی و اخراج‌های دسته جمعی، افزایش ساعات کار، بالا بردن سن بازنشستگی، محرومیت از تأمینات اجتماعی و غیره، همه و همه تجاوز و تعدی خشن و آشکار است که بر علیه حقوق ناچیز طبقه کارگر اعمال می‌شود. دولت‌های بزرگ سرمایه‌داری تاکنون، با پرداخت بیش از چهار صد تریلیون دلار برای نجات کمپانی‌های بی‌کارخانه و مؤسسات غارتگر مالی از صندوق دولتی که از محل مالیات‌های پرداختی مستقیم و غیرمستقیم زحمتکشان پر می‌شود، آخرین اندوخته‌های ملی را نیز نابود می‌سازند که، از بخت بد سرمایه‌داران، هیچ تأثیری مثبتی بسود نظام سرمایه‌داری در پی نداشته است.

کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز هیچگاه از تعرضات سیستماتیک حاکمیت دینی- بورژوازی در



شمه‌ای از جنبش کارگری، در یکسال گذشته

سیاست‌های ضد کارگری جمهوری اسلامی روز به روز اوضاع اقتصادی را با فشار زحمتکش و کم درآمد جامعه سخت تر می‌سازد. کمتر روزی است که در مورد وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی ایران و فرو رفتن شمار بیشتری از شهروندان این کشور در کام فقر خبری نخوانیم یا نشنویم. هر روز صدها و هزاران تن از کارگران و کارکنان این یا آن واحد تولیدی این یا آن شرکت خصوصی و دولتی از کار اخراج می‌شوند. در پاسخ به این تزییقات و در اعتراض به اخراج‌ها و یا عدم پرداخت حقوق معوقه‌شان هر روز صدها و هزاران تن از کارگران و زحمتکشان این کشور دست به تجمع و اعتصاب می‌زنند.

رهبران سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه به جرم تشکیل نهاد صنفی خود به زندان انداخته می‌شوند و یا از کار اخراج و از ابتدای ترین حقوق فردی و اجتماعی خویش محروم می‌شوند. همین وضع کم و بیش در مورد کارگران نیشکر هفت تپه، لاستیک البرز، فولاد خوزستان، صنایع نفت و گاز و پتروشیمی صادق است. کارگرانی که ماههاست در اعتراض به اخراج و عدم پرداخت حقوق‌های معوقه‌شان در اعتراض و اعتصاب بسر می‌برند.

حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۸ کمتر از ۲۶۴ هزار تومان تعیین گردید. در حالی که مطالعات مستقل خط فقر را برای خانوارهای ایرانی در مناطق شهری ۸۵۰ هزار تومان برآورد می‌کنند. البته بعلت آنکه نزدیک به ۵۰ درصد از نیروی کار ایران بدون در بازار غیررسمی کار مشغول به کارند، از این حداقل و سایر حقوق قانونی و تأمین اجتماعی نیز بی‌بهره‌اند. این ستم و بی عدالتی عمومی بیش از پیش نیاز به سازمان‌دهی و ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی مانند سندیکاهای اتحادیه‌های کارگری را در بین کارگران پیشرو تقویت نموده است. موارد زیر تنها گوشه‌ای از مبارزات کارگران ایران در یکسال گذشته است.

بهار ۱۳۸۷

- ۱- دهها تن از کارگران قراردادی سیمان لوشان برای تبدیل شدن قراردادهای موقت به قراردادهای دائمی دست از کار کشیدند.
- ۲- حدود ۴۰۰ تن از کارگران اخراجی شرکت صنعتی و دریایی ایران صدرا در برابر استانداری بوشهر تجمع کرده و خواهان بازگشت به کار شدند.
- ۳- اعتصاب حدود ۱۵۰ کارگر سد زویه در شهرستان کامیاران به خاطر عدم پرداخت شش ماه حقوق‌شان
- ۴- اعتراض ۴۰۰ کارگر شاغل در پروژه ی سد گاوشان و تجمع در مقابل فرمانداری کامیاران به خاطر چهار ماه حقوق معوقه
- ۵- تجمع بیش از ۱۰۰ کارگر قراردادی کارخانه‌ی اشکان چینی قزوین در مقابل اداره کار شهر البرز، در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه حقوق و مطالبات معوقه
- ۶- اعتصاب ۵۰ کارگر کارخانه آرد زایل در اعتراض به عدم پرداخت پنج ماه حقوق
- ۷- اعتصاب کارگران کارخانه‌ی ذوب مس خاتون آباد در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد و افزایش آن
- ۸- تجمع اعتراضی کارگران و کارکنان لاستیک البرز در چهار دانگه‌ی تهران در اعتراض به پنج ماه حقوق معوقه
- ۹- تجمع بیش از ۳۰ کارگر کارخانه‌ی پارس واشر در اعتراض به تعطیلی کارخانه در مقابل فرمانداری شهر صنعتی البرز و درخواست حقوق چندین ماهه‌ی معوقه
- ۱۰- تجمع اعتراضی بیش از ۱۴۰۰ کارگر کارخانه‌های تولیدی فرنیخ و منخ و نازنخ و بهداشتی مینا به مدت سه روز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات‌شان در مقابل واحدهای تولیدی خود در شهر قزوین
- ۱۱- تجمع ۳۸ تن از کارگران کارخانه‌ی دروس ایران در تشکیلات کارگری قزوین در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه حقوق معوقه
- ۱۲- بستن جاده‌ی قم- تهران توسط کارگران آونگان اراک بدلیل نبود برنامه در تولید و بهره‌وری و بیکاری و بلاتکلیفی کارگران
- ۱۳- تحركات اعتراضی حدود ۶۰۰ کارگر شاغل در دو واحد تولیدی ایران ترمه و تهران پتو به مدت یک هفته در مقابل ادارات دولتی و داخل کارخانه به دلیل عدم پرداخت حقوق چند ماهه
- ۱۴- اعتصاب کارگران کاشی رویال درسمان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات خویش
- ۱۵- تجمع ۱۵۰ کارگر یخچال سازی لرستان در برابر استانداری این شهر در ارتباط با اخراج کارگران و عدم پرداخت حقوق آنان
- ۱۶- تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شهرستان شوش، و راه پیمایی آنان در خیابان اصلی شهر
- ۱۷- تجمع اعتراضی آمیز ۱۸۰ کارگر شاغل در شرکت صنایع اراک در اعتراض به صدور رای یک جانبه‌ی اداره‌ی کار اراک به نفع کارفرما در محرومیت کارگران، در محوطه‌ی کارخانه
- ۱۸- تجمع تعدادی از کارگران شرکت ایران برک رشت در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران به دلیل گرفتن حق و حقوق، که به مدت ۵ ماه به تعویق افتاده و عیدی سال ۸۶

- ۱۹- تجمع ۴۸ کارگر کارخانه لامپ فارس در مقابل اداره‌ی کار و اداره‌ی صنایع استان به منظور پیگیری خواسته‌های صنفی خود در خصوص بازگشت به کار سابق و دریافت حقوق معوقه
- ۲۰- برگزاری جشن اول ماه مه روز جهانی کارگر در مهمانی‌ها، محیط‌های کارگری محافل و خیابانها، در سرتاسر کشور

تابستان ۸۷

- ۲۱- تجمع ۵۷ تن از کارگران مجتمع همامرغ وابسته به کشت و صنعت مهاباد در مقابل فرمانداری در اعتراض به اخراج خود و افزایش دستمزدها
- ۲۲- اعتصاب غذای بخشی از کارگران ایران خودرو به خاطر تغییر مدت شیفت کار کارگران از دو هفته به یک هفته و پایین بودن حق بهره‌وری و سختی کار
- ۲۳- ادامه‌ی اعتصاب در تهران پتو و ایران ترمه قم با حضور ۳۰۰ کارگر و بیش از یک هفته جهت گرفتن ۹ ماه حقوق معوقه
- ۲۴- اعتصاب مجدد دو روزه‌ی ۷۸۰ کارگر مجتمع تولیدی فرنیخ و منخ در قزوین و در اعتراض به عدم دریافت تمام و کمال حقوق و مطالبات از جمله عدم پرداخت عیدی و پاداش سال ۸۶
- ۲۵- اعتصاب کارگران شرکت کانال سازی بتونی رامان در کامیاران به مدت ۹ روز
- ۲۶- تجمع اعتراضی ۴۵۰ کارگر خیاب در سنندج و تهیه‌ی طوماری مبنی بر اجرای ماده ۴۱ قانون کار و مصوبه‌ی شورای عالی کار نسبت به افزایش دستمزد و بهره‌مندی از مزایای سال ۸۷
- ۲۷- اعتصاب مجدد کارگران در کارخانه‌ی لاستیک البرز در اعتراض به تحقق نیافتن وعده‌هایی که مدیریت در خصوص پرداخت حقوق اردیبهشت ماه داده بود
- ۲۸- تجمع بیش از ۲۰۰ کارگر شرکت فرش پارس قزوین در مقابل کارخانه و در اعتراض به عدم دریافت چند ماه حقوق و بلاتکلیفی شغلی
- ۲۹- اعتصاب کارگران کوره پزخانه‌های ارومیه و ورامین برای افزایش دستمزد روزانه از ۹۵۰۰ به ۱۵۰۰۰ تومان
- ۳۰- اعتصاب کارگران لوله‌سازی خوزستان و مسدود کردن جاده اهواز به خرمشهر برای دریافت حقوق معوقه
- ۳۱- اعتصاب ۱۴۰۰ نفر از کارگران شرکت هادی کار سمنان در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و عیدی و پاداش سال ۸۶
- ۳۲- کارگران فرنیخ و نازنخ قزوین در تجمع اعتراضی در مقابل شرکت و بستن جاده بین المللی قزوین خواهان دریافت حقوق و کلیه مطالبات خود شدند
- ۳۳- اعتصاب کارگران سد شهریار میانه به دلیل عدم دریافت حقوق چهارماهه
- ۳۴- اعتصاب دهها کارگر معادن ذغال سنگ طیس در اعتراض به وضعیت دستمزد، ساعات کار بیش از حد مجاز و شرایط سخت کاری
- ۳۵- تجمع کارگران شرکت صنایع راه‌دور ایران در مقابل کارخانه به دلیل عدم پرداخت مطالبات و شش ماه دستمزد
- ۳۶- راه پیمایی اعتراض آمیز کارگران لوله‌سازی خوزستان در خیابانهای اهواز و تجمع در میدان شهدای اهواز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه
- ۳۷- تجمع کارکنان شرکت پشتیبانی برق گیلان- رشت- در مقابل دفتر این شرکت به خاطر عدم دریافت ۸ ماه حقوق و دستمزد
- ۳۸- ۴۰۰ نفر از کارگران لاستیک البرز به خاطر پرداخت نشدن مطالبات معوقه در برابر نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند
- ۳۹- اعتصاب کارگران کارخانه پریس سنندج برای دریافت مطالبات خود از جمله دستمزدهای معوقه
- ۴۰- اعتصاب ۱۵۰۰ کارگر رامشیر در منطقه عسلویه، در اعتراض به عدم دریافت چهار ماه حقوق و دستمزد



از مبارزه کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری حمایت کنیم

پاییز ۸۷

۴۱- اعتصاب و اعتراض مجدد کارگران نیشکر هفت‌تپه از روز سوم مهر در رابطه با پرداخت نشدن دو ماه حقوق و مزایا، درخواست افزایش حق مسکن به ۱۳ هزار تومان و حق پدی آب و هوا به ۴۲ هزار تومان و حق غذا. همزمان کارگران به منظور راه اندازی مجدد سندیکای کارگران این شرکت، مجمع عمومی برگزار کردند و موجودیت آن را اعلام کردند. فعالیت این سندیکا از ماههای اول بعد از پیروزی انقلاب ۵۷ به حال تعلیق درآمده بود. همزمان بین ۸۰۰ الی ۱۲۰۰ کارگر این کارخانه در روز سوم مهر در مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند.

۴۲- اعتصاب حدود ۱۷۰۰ تن راننده و کامیون‌دار در جاده سه راه خرمشهر به مسیر پایانه حمل و نقل اهواز، خواستهای صنفی رانندگان و کامیون‌داران اعتصابی، حذف دلان در واگذاری بار به رانندگان، و راه‌اندازی سندیکای رانندگان و کامیون‌داران اهواز که فعالیت آن از یک سال پیش توسط وزارت کار و امور اجتماعی به حال تعلیق در آمده است

۴۳- اعتصاب کارگران سد سیمین‌رود بوکان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان
۴۴- تجمع مجدد ۵۰۰ نفر از کارگران لاستیک البرز در مقابل وزارت کار در اعتراض به عدم دریافت شش ماه حقوق و عدم تحقق مطالبات و وعده‌های داده شده توسط مسئولین، و استقرار حدود ۱۰۰ کارگر این شرکت در دفتر مرکزی در تهران به صورت شبانه روزی و اخراج عوامل کارفرما از دفتر مرکزی

۴۵- تجمع تعدادی از کارکنان اخراجی سراب بافت در اعتراض به عدم پرداخت ۱۷ ماه حقوق معوقه و ۱۴ ماه بالتکلیفی

۴۶- تجمع ۲۴۰ نفر از کارگران فرش غرب کرمانشاه در خانه کارگر شهر، در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت دو ماه حقوق و عیدی و پاداش سال ۸۶

۴۷- کارگران اخراجی شرکت پریس سندج یک باردیگر در اعتراض به مقاومت کارفرمای کارخانه برای اجرای رای بازگشت به کار هیئت حل اختلاف استان در محل اداره کار استان در سندج تجمع کردند

۴۸- تعداد ۴۰ نفر از کارگران کارخانه مکان ساز اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه از دستمزدهایشان کارخانه رابه حالت نیمه تعطیل درآورده و ضمن اعتصاب، خواهان پرداخت تمامی دستمزدهای معوقه خود شدند

۴۹- حدود ۳۰۰ کارگر شرکت گوشت زبازان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه در مقابل کارخانه تجمع کردند

۵۰- حدود ۱۰۰ نفر از کارگران کیفیت‌روز کارخانه پارچه بافی کرپ‌ناز کرمانشاه در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۰۰ روز حقوق خود اعتصاب کردند. آنها در حین اعتصاب مجمع عمومی تشکیل داده و سه نفر از کارگران را به عنوان نماینده انتخاب کردند.

زمستان ۸۷

۵۱- دهها نفر از کارگران شرکت روزنوش سرپل‌زهاب در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد چندماهه خود در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند

۵۲- حدود ۱۰۰۰ کارگر کارخانه فرنیخ و نازنخ قزوین در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق خود در جاده بین‌المللی این استان دست به تجمع زده و اقدام به بستن جاده و آتش زدن لاستیک کردند

۵۳- بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران مجتمع صنعتی شمال غرب تبریز به دلیل نبود تقدینگی و پرداخت نشدن حقوق و دستمزد و حق بیمه دست از کار کشیده و در محوطه مجتمع تجمع کردند

۵۴- کارگران شرکت نیپک هم‌مان به دلیل عدم پرداخت چهار ماه حقوق خود دفتر شرکت را محاصره کرده و درب ورود و خروج پتروشیمی را مسدود کردند

۵۵- ۵۰۰ کارگر اخراج شده شرکت سرب و روی زنجان به دلیل اخراج از کار در مقابل شرکت تجمع کردند

۵۶- ۱۵۰ نفر از کارگران مهیامان در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه از دستمزدشان دست از کار کشیده و با تجمع در مقابل اداره ی کارشاهین شهر اصفهان خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند

۵۷- کارگران کارخانه ی نساجی خامنه در آذربایجان شرقی در اعتراض به بالتکلیفی خود عدم پرداخت چندین ماه از دستمزدهایشان در مقابل کارخانه دست به تجمع زده و اقدام به آتش زدن لاستیک کردند هم چنین حدود ۱۰۰ نفر از این کارگران با در دست داشتن پلا کارهایی در مقابل اداره ی کار شهر تبریز دست به تجمع زدند

۵۸- ۵۷ نفر از کارگران شرکت فلات پارس در پتروشیمی پلیمر کرمانشاه به دلیل پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق خود، در مقابل درب شرکت تجمع اعتراضی برپا کرده و دست به اعتصاب زدند

۵۹- کارگران صنایع فلزی در بهمن ماه ۸۷ مدیرعامل صنایع فلزی شماره ۲ رادر کارخانه حبس کردند، همچنین به دلیل عدم تحقق وعده‌های داده شده حدود ۳۰۰ کارگر بطور یکپارچه در مقابل نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع زدند

۶۰- کارگران شرکت گرادآفرین تولید کننده عمده کت و شلوار و انواع پوشاک در شهر صنعتی نصیرآباد در رباط کریم به دلیل پرداخت نشدن سه ماه حقوق خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند

۶۱- ۱۵۰ کارگر اخراجی مس سونگون در ورزقان شهرستان اهر در اعتراض به پرداخت نشدن مقرری بیکاری و سایر مشکلات در مقابل فرمانداری و اداره کار اهر تجمع اعتراضی برپا کردند

۶۲- ۱۵۰۰ نفر از کارگران پالایشگاه فاز ۱۰۹ عسلویه به خاطر پرداخت نشدن پنج ماه از دستمزدشان اعتصاب کردند

۶۳- کارگران کارخانه چرم نوش اهواز به دلیل عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند

۶۴- کارگران سیناکاشی در شهرستان ساوه به خاطر عدم تمدید قرارداد چند نفر از همکاران خود در مقابل این شرکت تجمع کرده و ضمن مخالفت با تعدیل نیرو خواستار تمدید قرارداد و بازگشت به کار همکاران اخراجی خود شدند

۶۵- حدود ۲۰۰ کارگر بیکار شده چینی البرز در شهر صنعتی قزوین در اعتراض به عدم پرداخت پنج ماه حقوق و مزایای معوقه، به مدت ۲۰ ساعت جاده اصلی شهر صنعتی قزوین را مسدود کرده و خواستار دریافت مطالبات و بازگشت به کار شدند

۶۶- بیش از ۱۵۰ کارگری خچال سازی بوژان لرستان به خاطر دریافت نکردن حقوق و مزایا در مقابل دفتر مرکزی شرکت سرمایه گذاری آتیه ی دماوند در تهران تجمع کردند

۶۷- بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران معترض کارخانه قندیا سوج به دلیل عدم دریافت چندین ماه حقوق و مزایا در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند

۶۸- کارگران شرکت کف کار رشت به دلیل دریافت نکردن ۷ ماه دستمزد جلوی استانداری گیلان تجمع کردند

۶۹- بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران کارخانجات ریسندگی و بافندگی و مخمل و ابریشم کاشان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه در چهارراه کاشانی این شهر تجمع کردند

۷۰- تحسن حدود ۲۵۰ کارگر شرکت پوشینه بافت قزوین در اعتراض به عدم پرداخت هفت ماه حقوق در مقابل دفتر احمدی‌نژاد در تهران، و یک شب ماندن در مقابل همین دفتر به دلیل عملی نشدن وعده‌های احمدی‌نژاد

۷۱- اعتصاب کارگران شرکت چوب و صنعت ایران در شهرستان ساوه به خاطر پرداخت نشدن شش ماه حقوق و مزایا

۷۲- اعتصاب بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران کاشی سمند در استان سمنان به دلیل عدم دریافت شش ماه حقوق و مزایا

۷۳- حدود ۵۴۰ نفر از کارگران شرکت ایران الکتریک رشت به خاطر پرداخت نشدن مطالبات برای چندمین بار در مقابل استانداری و فروشگاه تعاونی این شرکت تجمع کردند

۷۴- اعتصاب ۱۲۳ کارگر نساجی در خراسان یزیدیه مدت ۱۰ روز به خاطر عدم پرداخت حقوق و مزایا

۷۵- تجمع اعتراض آمیز ۱۲۰ کارگر شرکت پیمانکاری پامیکودرطیس در مقابل استانداری، به دلیل برخورد ناشایست پیمانکاران با کارگران

۷۶- اعتصاب بیش از ۳۰۰ کارگر شرکت رشن در صنایع فولادهاوا در مقابل درب شماره یک صنایع فولاد به دلیل پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق و مزایا و امضای قرارداد با تاریخ و جزئیات مشخص، صدور فیش حقوقی برای کارگران، چگونگی پرداخت دستمزد، بیمه، از خواست‌های کارگران اعتصابی اعلام شده بود

۷۷- دهها نفر از کارگران اخراجی کارخانه لوله سازی ماهشهر که پس از پایان مدت قراردادشان از سوی کارفرمایان اخراج شده اند با تجمع در مقابل استانداری خوزستان خواهان بازگشت به سرکارهایشان شدند

۷۸- بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت سازمانی ی پاکدشت که بیش از ۳ سال است به دلیل تعطیلی کارخانه از کار اخراج شده اند بیش از ۵۰ درصد از مطالبات خود را دریافت نکرده اند در مقابل درب اصلی کارخانه تجمع کرده و خواهان رسیدگی به مشکلاتشان شدند

۷۹- تجمع کارگران کارخانه پروفیل پارس تهران در مقابل اداره کار غرب تهران و در اعتراض به عملی نشدن وعده کارفرمایان مبنی بر دادن چهار ماه سنوات به‌ازای هر یک سال سابقه کار

۸۰- تجمع چندین باره کارگران نساجی کردستان در مقابل اداره کار استان برای عملی شدن وعده های مسئولین اداره کار

۸۱- ۲۲ کارگر شرکت قوه پارس در قزوین در اعتراض به عدم پرداخت هشت ماه حقوق و مزایای خود در مقابل خانه کارگر قزوین دست به تجمع زده و خواستار بازگشایی شرکت و بازگشت به کار خود شدند

۸۲- کارگران شرکت کشت و صنعت شوشتر در مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کرده و خواهان پرداخت مطالبات معوقه از سوی کارفرمایان شدند حدود ۵۰۰ کارگر این شرکت دو ماه حقوق خود را دریافت نکرده بودند

۸۳- کارگران شرکت فرآورده های لبنی سلام در تهران به دلیل دریافت نکردن سه ماه حقوق در مقابل این شرکت تجمع کردند

۸۴- بیش از ۱۸۰ کارگر شرکت ایرانیت تهران که دو ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده بودند دست به اعتصاب زده و رئیس کارخانه را بیرون کرده و ضمن توقف خط تولید و بستن درب کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند

۸۵- کارگران کارخانه کاغذ سازی کارون در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل استانداری تجمع کردند

۸۶- بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران کارخانه‌های صنعتی آزماپیش در شهرستان مرودشت استان فارس که با حدود ۱۰ سال سابقه ی کار اخراج شده اند به خاطر بازگشت به کار در مقابل فرمانداری و اداره کار این شهر تجمع کردند

۸۷- کارگران کارخانه‌های نختار فومن، کاشی گیلان و کارخانه پارسان به خاطر عدم پرداخت مطالبات در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند

دگرگونی در نقش اجتماعی و اقتصادی زنان

کوشش، باورهای اجتماعی را تغییر داده و با وجود کمبود مهارت‌های حرفه‌ای و موانع تحصیلی، خود را بر روند کلی توسعه ملی تحمیل نمایند. از طرفی دیگر تحولات اجتماعی و رشد آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی، با رشد حضور نسبی زنان کارگر در عرصه‌های اقتصادی، تا حدودی توانسته است، فشارهای ناشی از تفکرات مردسالارانه را کاهش داده و مجبور به عقب نشینی نماید.

پایین بودن سطح اشتغال زنان، کمبود شغل، افزایش بیکاری و غیره، شرایط را برای زنان سخت و دشوار می‌سازد. از طرفی دیگر افزایش سهم زنان از ورودی دانشگاه‌ها، ارتقاء نقش زنان در تولید و صنعت، به‌همراه ترکیب سنی جوان جامعه، عواملی هستند که اگر با شناخت توان‌مندیها زنان کشورمان و هدایت استعدادها با القوه آنان همراه شود، خواهد توانست در تمامی عرصه‌های کار و دانش، و علیرغم محدودیت‌های موجود، امکانات رشد و حضور موثر زنان را در جامعه و عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فراهم سازد.

بر بستر شرایط اجتماعی مناسب زنان می‌توانند، با اعتماد به نفس و پشتکار، با انتقاد پذیری و تغییرپذیری، با دانائی و دوراندیشی و با هدفمندی، در رشد و شکوفایی و توسعه منابع انسانی، در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ثمربخش و تاثیرگذار باشند. بنابراین ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی که از طریق آن زنان و دختران بتوانند برای تامین کار و آموزش‌های لازم برای ارتقاء توان‌مندیهای خود اقدام کنند، امری ضروری و فوری است. تا بدین طریق زنان قادر به مشارکت در فعالیتهای جمعی شوند. ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی به زنان و دختران ما در عرصه‌های اجتماعی قدرت اقتصادی و سیاسی خواهد بخشید. تا زنان متکی به خود و قادر به مشارکت در فعالیت‌های جمعی شوند. اهمیت این موضوع برای زنان کارگر که از دو حیطة ساختار اجتماعی و ساختار ناشی از سودجویی سرمایه و اقتصاد بیمار جامعه در فشار مضاعفی قرار دارند، دوچندان می‌باشد. از جمله مشکلاتی که زنان کارگر و شاغل با آن روبرو هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- سطوح شغلی پایین نسبت به مردان

- عدم ارتقاء شغلی نسبت به مردان

- کار زیاد در محیط منزل و کار با دستمزد پایین در خارج از خانه

- عدم دریافت حقوق و مزایای برابر با کارگران مرد

- مزاحمت‌های جنسی در محیط کار و بیرون از محیط کار

- همگی انعکاسی است که از عدم توازن بین زن و مرد

خوشبختانه در سال‌های اخیر شاهد رشد کیفی جنبش‌های اجتماعی و ایجاد تشکلهای مختلف صنفی و سیاسی زنان و تشکلهای غیر دولتی NGOها با موضوعیت زنان بوده‌ایم. جنبش زنان در هم‌پیوندی با جنبش کارگری و جنبش دانشجویی کشورمان توانسته است، جمهوری اسلامی را به‌عنوان مانع اصلی احقاق حقوق زنان، به عقب نشینی‌های جدی وادار سازد. امروز جنبش زنان کشورمان از پیشرفته‌ترین جنبش‌های دمکراتیک کشورمان بشمار می‌آید.

* دریافتی از طریق ایمیل

جمهوری اسلامی، نظامی که زندگی را برای زنان در سراسری زوال قرار داده، و با نقض ارزش‌های انسانی تمامی این ارزش‌ها را به نام دین به فساد کشانده است. زندگی را برای همه انسان‌ها روز از پی روز سخت‌تر می‌کند و چنان می‌نمایند که راهی جز این‌گونه زیستن نیست. آیا به درستی راهی برای بروز استعدادها و انسانی، و راهی برای آگاهی و اندیشه برای انسان‌ها نیست؟

مساله زنان جامعه ایران دارای ویژگی‌های مختص خود است. ویژگی‌هایی که ریشه‌های مذهبی، سنتی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی دارند. حقوق اجتماعی زن بر تار و پود بافت‌های متحجر مذهبی سنتی و اجتماعی تنیده شده است. جامعه مرد سالار نیز همواره به منظور و در جهت تثبیت وضع موجود و حفظ ساختار اجتماعی بسته حرکت کرده است.

با وجود بایدها و ارزش‌های پذیرفته شده سنتی، مذهبی و تعصبات و تبعیضات جنسی، جامعه مردسالار ایران کار زنان در خارج از خانه که مشارکت و فعالیت آنان در امور اجتماعی و جمعی را میسر می‌سازد، مردود می‌شمارد. زنان ایران اساساً فاقد استقلال اقتصادی هستند، و هنوز هم سهم شایسته‌ای را از اقتصاد کشور ندارند. آنان همواره در معرض نادیده گرفتن شدن اهمیت و ارزش کارشان - کار خارج از خانه - هستند. بیشتر زنان در بخش خدمات - پرستاری، منشی‌گری، معلمی ... - کار می‌کنند. جامعه مردسالار هنوز هم کمک و یاری زنان را به عنوان پرستاران بی‌مزد و موجب کودکان، بیماران و سالخوردگان دست کم می‌گیرد. آنها را به عنوان نیروی کار ارزان استثمار می‌کند و مورد بدرفتاری، خشونت و ضرب و شتم قرار می‌دهد.

حس کاذبی هم که در زنان از امنیت و برابر حقوقی و بهره‌مندی از چتر حمایتی قانون و داشتن فرصت برابر با مردان به وجود می‌آید، هنگامی که در عمل تبعیض را تجربه می‌کنند، فرو می‌ریزد. بالا بودن و افزایش دائمی نرخ طلاق و بی‌ثباتی خانواده هم زنان را که برای تامین معاش خود در طول زندگی به مرد متکی هستند، در تهدید دائمی قرار می‌دهد. امروزه از هر ده نفر زنی که کار می‌کند هشت نفر به خاطر عدم رضایت خانواده و بچه‌داری و غیره کار و حرفه خود را ترک می‌کنند.

زنان در حال حاضر ۴۹ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. ترکیب سنی زنان ۱۵ الی ۶۰ سال ۵۵٪ و زیر ۱۵ سال ۳۸٪ است. ۴۸٪ جمعیت در حال تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه هستند و علیرغم آنکه حدود ۷۰٪ از پذیرفته شدگان آموزش عالی در سالهای اخیر از زنان تشکیل می‌دهند، نرخ اشتغال زنان حدود ۱۱٪ است. علی‌چون:

- پسندیده نبودن حضور زن در اجتماع

- عدم باور به توان و نقش زن در انجام امورات اجتماعی از دیدگاه جامعه مردسالار

- تعصبات شدید مذهبی و موانع اجتماعی

- کسب مجوز از همسر برای کار

- نگاه تحقیر گونه به زنان با عنوان ضعیفه و جنس دوم

- نوع تربیت کودکان دختر

از جمله‌ی مواردی هستند که جایگاه و نقش زنان و حضورشان را در عرصه‌های مختلف جامعه دچار مشکل می‌سازند.

با این حال نقش زنان در محیط کار جهانی، در فاصله ۵۰ سال گذشته دگرگونی و تغییرات برجسته‌ای پیدا کرده است. زنان در این سالها توانسته‌اند با تلاش و

رفع ستم جنسی، در گرو مبارزه علیه سرمایه‌داری و ارتجاع حاکم

جهانی شایسته کودکان

استثمار را متوقف کنید!

همبستگی بین‌المللی! هماهنگی مبارزاتی بین‌المللی! اخراج‌ها را متوقف کنید!

برادران، خواهران،
فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، به مناسبت روز کارگر ۲۰۰۹، به کارگران، بیکاران، مهاجران، زنان و جوانان در سراسر جهان درودهای مبارزاتی گرم می‌فرستد و از شما می‌خواهد در مسیر یک ضدحمله پویای جنبش سندیکایی با سمت‌گیری طبقاتی در دفاع از حقوق و دست‌آوردایمان به پیش حرکت کنیم.

چهره واقعی جهانی‌سازی سرمایه‌داری اکنون آشکار است. ما آن را در بی‌عدالتی در جهان، با تمرکز بی‌سابقه ثروت در دست‌هایی اندک، در حالی که اکثریت مطلق انسان‌ها در فقر به سر می‌برند، می‌بینیم. آمار ثابت می‌کند که ۱ درصد جمعیت جهان مالک ۴۰ درصد کل ثروت است، در حالی که ۵۰ درصد جمعیت جهان که در فقر زندگی می‌کند صاحب یک درصد ثروت جهانی است. به عنوان مثال، در هند ۴۸ نفر، ۴۸ میلیارد، ۳۰ درصد درآمد ملی هند را نمایندگی می‌کنند.

در آخرین اجلاس "کنفرانس سازمان ملل پیرامون تجارت و توسعه UNCTAD"، یک هیأت آفریقایی شرایط در این قاره را توصیف کرد و گفت آنچه اتفاق می‌افتد یک "انتقال خون معکوس واقعی است. خون از کشورهای در حال مرگ جهان سوم گرفته شده، و به سود چندملیتی‌ها و انحصارها، به کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته منتقل می‌شود.

امروزه، براساس داده‌های سازمان ملل، متوسط طول عمر در کشورهای آفریقایی مانند زیمبابوه ۴۲ سال، در نیجریه و لیبریا ۴۱ سال، در زامبیا ۴۰ سال و در آنگولا و سیرالئون ۳۷ سال است. این تصویر، استثمار بی‌رحمانه جهان سوم از طرف امپریالیست‌های اروپایی و آمریکایی را نشان می‌دهد.

امروزه هم‌چنین، در دوره بحران اقتصادی عمیق سرمایه‌داری که در ایالات متحده شروع شد و به اروپا رسید و در حال گسترش به سراسر جهان است، سازمان بین‌المللی کار تخمین می‌زند بیکاری بیش‌تر افزایش خواهد یافت و تعداد بیکاران از ۱۹۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۷ به ۲۱۰ میلیون در سال ۲۰۰۹ خواهد رسید. کارگران در تمام بخش‌ها، اما به ویژه در صنعت ساختمان، بانکداری، خودروسازی، تولید فلزات، جهانگردی کار خود را از دست می‌دهند. اشتغال نیمه‌وقت با حقوق کم‌تر، که موجب بدتر شدن شرایط کار، دستبرد به حقوق و آزادی‌های سندیکایی و هم‌چنین تأثیر جدی بر مهاجرانی که مجبور به بازگشت به کشورهایشان می‌شوند، یک اصل شده است.

رویارو با این شرایط، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری و سندیکاهای دارای سمت‌گیری طبقاتی دست به سینه نمی‌ایستند. در محل‌های کار، در هر کشور، در هر صنعت، ما دفاع و ضدحمله را سازمان می‌دهیم. ما خواست‌های عادلانه آن‌ها را ارتقاء می‌دهیم. ما با سیاست‌های سرمایه‌داران تضاد داریم. یکی از این ابتکارات مهم فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، "روز بین‌المللی اقدام بود" که در اول آوریل، در ۵۵ کشور با اعتصابات، راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های بسیار دیگر برگزار شد. اول آوریل، روز بین‌المللی اقدام علیه استثمار انسان به دست انسان، نشان داد که کارگران سراسر جهان، هر کجا که هستند، قدرت آن را دارند که دست به اقدام مشترک بزنند، با اطمینان در مبارزه کام بردارند و برای رویارویی با استثمارگران متحد و متشکل عمل کنند، زیرا حق با آن‌هاست.

روز کارگر امسال باید روز سازماندهی بهتر نبرد ما علیه استثمار انسان به دست انسان در جهان باشد. هزینه بحران را آن‌هایی باید بپردازند که علت آن بوده‌اند، نه کارگران. اخراج‌ها باید متوقف شده و هم‌اکنون گام‌هایی برای بیکاران و اخراجی‌ها برداشته شود. آن‌ها و خانواده‌هایشان نیز حق دارند زندگی کنند.

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از سندیکاهای سراسر جهان می‌خواهد به نیروهای خود اطمینان نشان دهند. ما می‌توانیم پیروز شویم. ما می‌توانیم راه دیگری را دنبال کنیم. مثال انقلاب کوبا درخشنده است. آن‌ها پنجاه سال امپریالیسم را شکست دادند، پنجاه سال یک راه قهرمانانه با اصول، ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها و برتری. ما تجربیات و درس‌هایی داریم که نمی‌توانیم نادیده بگیریم، که می‌توانند راهنمای ما باشند. نیاز به یک هماهنگی بین‌المللی، همبستگی بین‌المللی و اقدام مبارزاتی وجود دارد.

کارگران، بیکاران، مهاجران، بی‌خانمان‌ها، دهقانان فقیر،
در آن روز، مهم‌ترین روز برای طبقه کارگر جهان، ما ضرورت ابراز انترناسیونالیسم خود را با مبارزه مردم فلسطین که نبردی عادلانه است، احساس می‌کنیم. ما در کنار مردم عراق، افغانستان، پاکستان که برای بیرون انداختن سربازان خارجی مبارزه می‌کنند، می‌ایستیم.

ما استوار در کنار مردم ونزوئلا، بولیوی، اکوادور، نیکاراگوئه در مبارزه برای گشودن راه‌های نوین به سوی آینده‌شان می‌ایستیم. ما هم‌صدا با خلق‌های آفریقا خواهان لغو بدهی کشورهای آفریقایی هستیم. ما طبقه کارگر در آسیا و منطقه [اقیانوس] آرام را که در شرایط دشواری زندگی می‌کنند، در آغوش می‌گیریم. ما به داشتن مواضع مشترک با کارگران کشورهای عربی که علیه طرح‌های ایالات متحده، ناتو، اتحادیه اروپا برای به اصطلاح خاورمیانه جدید مبارزه می‌کنند، ادامه می‌دهیم.

همکاران گرامی،
در چنین شرایط پیچیده و دشوار بین‌المللی ما به سندیکاهای رزمنده، دارای سمت‌گیری طبقاتی و فعال نیاز داریم. ما به سندیکاهایی نیاز داریم که در خط اول مبارزه برای زندگی مردم، برای صلح، دموکراسی و آزادی سندیکایی قرار داشته باشند.

ما به سندیکاهایی نیاز داریم که آگاهی طبقه کارگر را بالا برده و راه را برای رهایی از استثمار سرمایه‌داری همواره کنند. فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در این راه دشوار اما زیبا به پیش می‌رود.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

ما کودکان جهانیم
ما قربانیان استثمار و آزاریم

ما کودکان جنگیم
ما قربانیان و یتیمان عفونت HIV و ایدز هستیم

ما از آموزش با کیفیت و مراقبت‌های بهداشتی مناسب محرومیم
ما قربانیان تبعیض‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و زیست محیطی هستیم

ما کودکانی هستیم که به صدای آنها گوش داده نمی‌شود و وقت آن فرا رسیده است به حساب آییم

ما جهانی شایسته کودکان می‌خواهیم، چرا که جهانی که شایسته ماست جهانی شایسته همگان خواهد بود.

"از بیانیه نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای کودکان و نوجوانان - ۸ مه ۲۰۰۳"

در کشور ما هر انسان کمتر از ۱۸ سال فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، ملیت و مذهب کودک به شمار می‌آید. خانواده به عنوان اساس و بنیاد جامعه باید شرایط رشد و رفاه کلیه اعضاء خود بویژه کودکان را فراهم سازد و خود نیز از حمایت‌های لازم برخوردار باشد. برای ایجاد شرایط رشد شخصیتی کودک خانواده‌ای سالم و شاد که محبت و تفاهم در آن هم‌پیوند با شرایط اجتماعی که آزادی و برابری، صلح و همبستگی باشد ضروری می‌نماید. دوران کودکی مستلزم مراقبت‌ها و مساعدت‌های ویژه است. کودکان برای رشد به مراقبت‌های قبل و بعد از تولد نیازمندند. در این میان کودکانی که در شرایط دشوار زندگی و کار می‌کنند، کودکانی هستند که باید مورد توجه ویژه قرار گیرند. کودکان که آسیب پذیرترین اعضاء جامعه هستند، باید در مقابل هرگونه استثمار اقتصادی - کار کودک - که برای سلامتی، رشد جسمی، رشد اجتماعی و تربیتی کودک خطرناک است و مانع از آموزش او می‌شود حمایت شوند.

شرایط و مشکلات ناشی از وضعیت اقتصادی - رکود اقتصادی و بحران سرمایه‌داری که موجبات فقر و گرسنگی، بدبختی، غذا و آب ناسالم، مسکن نامناسب و ناکافی، کاهش خدمات عمومی بهداشتی، آموزشی و اجتماعی می‌شود، سبب افزایش تعداد افرادی می‌شود که زیر سطح فقر زندگی می‌کنند. کودکان به خاطر آسیب‌پذیری‌شان بیش از همه تحت تأثیر این مخاطرات قرار می‌گیرند. افزایش قاچاق و خرید و فروش کودکان، خطر تجاوز و استثمار جنسی کودکان - کودکان دختر بیشتر از پسران در معرض خطر هستند - و استفاده از کودکان برای کارهای اجباری، از مشکلاتی هستند که جامعه انسانی با آن درگیر می‌باشد. برای مقابله با این شرایط، روی‌کردی جامع و عملی در برابر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نابرابر، فقر، تبعیض اقتصادی، تبعیض جنسی و تلاش برای بالا بردن سطح آموزش و آگاهی عمومی لازم است. برای این شرایط همکاری همه نهادها و سازمان‌ها مدافع حقوقی انسان و کودک ضروری است.

در حال حاضر سالانه بیشتر از ۱۰ میلیون کودک که نیمی از آنها نوزاد هستند به علت فقر، عدم دسترسی به خدمات اجتماعی و بهداشتی، و سوء تغذیه جان خود را از دست می‌دهند. ۱۵۰ میلیون کودک زیر پنج سال دچار تغذیه هستند و یک میلیارد انسان از آب بهداشتی سالم بی‌بهره هستند. دو میلیارد نیز به بهداشت مناسب دسترسی ندارند. کودکان بزرگترین قربانیان جنگ و خشونت‌اند. مشکلات ناشی از محیط روانی نامناسب منجر به بی توجهی و آزار کودکان می‌گردد.

ما خواهان یک برنامه حداقلی براساس پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ هستیم. این پیمان‌نامه براساس آزادی، عدالت، صلح جهانی و برابری همه اعضاء خانواده بشری که در منشور سازمان ملل متحد تدوین گردیده است، تأکید شده است. برای رسیدن به این برنامه حداقلی باید برای:

- بهبود شرایط عمومی زندگی کودکان
- ایجاد زمینه‌های رشد جسمی و ذهنی و عاطفی و ذهنی کودکان
- ایجاد زمینه‌های کمک برای کودکان آسیب دیده از بلایای طبیعی و اجتماعی (بچه‌های طلاق)
- ایجاد زمینه‌های کمک به کودکان کار و خیابان
- تلاش برای ایجاد موانع قانونی در برابر کودک آزاری
- تلاش برای ایجاد و تأمین محیط حمایتی برای کودکان بی سرپرست و آسیب پذیر
- تلاش برای حمایت حقوقی از کودکان زندانی
- پیگیرانه و مصمم مبارزه کرد. تا ایجاد یک نظام قانونمند اقتصادی و اجتماعی برابر برای حمایت از کودکان را تحقق بخشیم.

تغییر قانون کار برای سرکوب هر چه بیشتر طبقه کارگر

کار و حفاظت از نیرویی که تولید ثروت را در دستان خود دارد به عهده قانون کار نیست، اصولاً چه لزومی داشت تا قانون کاری تدوین و تصویب گردد؟ پس وظیفه حفاظت و صیانت از نیروی کار را چه کسی به عهده خواهد گرفت؟

جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های ضد کارگری خود - که تحت تأثیر اقتصاددانانی است، که برنامه اقتصادی خاصی را بر پایه نقد غیرعلمی اقتصادهای کنترل شده با مضمون کلی خصوصی سازی تئوریزه می‌کنند پروژه‌های را تحت عنوان بررسی سه جانبه برای اصلاح قانون کار، که هدف آن کاهش قوانین حمایت از کارگران و تحت فشار قرار دادن نیروی کار به سود کارفرمایان می‌باشد، به پیش می‌برد. در شرایطی که کارفرمایان در چارچوب همین نظام حاضر به انعقاد هیچ پیمان دسته‌جمعی نیستند، چگونه می‌توان باور کرد همین کارفرمایان به یکباره طرفدار گفت‌وگو و حل و فصل مسایل از طریق مذاکره شده‌اند. چگونه باید باور نمود، کارفرمایان نسبت به تولید و صنعت و نیروی کار حسن نیت دارند، در حالی که همه روزه با به تعطیلی کشاندن مراکز تولید موجب بیکاری صدها نفر و وارد آمدن لطمات جدی به اقتصاد کشور می‌شوند.

در چند سال اخیر بخش وسیعی از مسئولین جمهوری اسلامی، با خرید سهام واحدهای مختلف تولیدی، در سیستم اقتصادی موجود در جایگاه کارفرما قرار گرفته، خواست‌های اقتصادی خود را در کسوت قوانین جدید بر نیروی کار تحمیل کرده‌اند. نگرشی که مدافع منافع کارفرمایان و در تقابل با کارگران، عملاً به ابزاری در دست کارفرمایان تبدیل شده‌اند و دیدگاهی که نیروی کار را ماشین و ابزار می‌پندارد، نمی‌تواند حافظ منافع مهم‌ترین عامل تولید یعنی کارگران باشد.

پس از اجرای خصوصی سازی، با افزایش ساعات کار، بالا رفتن سرعت دستگاهها، بکارگیری قوانین تنبیهی و مجازات اخراج و حذف بسیاری از مزایای رفاهی و ... بر شدت استثمار کارگران افزوده شده است. هدف کارفرمایان و اقتصاددانان مدافع سرمایه‌داری از تعقیب پروژه تغییر قانون کار، کسب سودی فراتر از میزان سود موجود می‌باشد. از این رو با حذف ماده بیست و هفت قانون کار خواهان بدست آوردن حق اخراج بدون قید و شرط، و بدون پرداخت

غرامت برای کارفرما می‌باشند. والا با قانون کار فعلی نیز، شاهد اخراج صدها هزار کارگر در نیمه دوم سال ۸۷ بودیم. از طرفی دیگر در چند سال گذشته شاهد آن بودیم که مجلس ضد کارگری جمهوری اسلامی نیز به بهانه ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری، قانون معافیت کارگاههای زیر ده نفر از مشمول قانون کار را تصویب نمود. در آن زمان رئیس اتاق بازرگانی در یکی از کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی مدعی شد اگر این قانون بتصویب برسد، بلافاصله یک میلیون فرصت شغلی بوجود خواهد آمد. حال باید پرسید؛ اینک که کارگاههای زیر ده نفر از مشمولیت قانون کار خارج شده‌اند، یک میلیون شغلی که وعده داده بودید، چه شد؟ بموجب این قانون مصوب مجلس که میلیون‌ها کارگر کارگاه‌های کوچک از زیر چتر حمایتی قانون کار و تأمین اجتماعی خارج شدند، چند نفر توانستند شغلی به دست آورند؟ در مناطق آزاد که قانون کار اجرا نمی‌شود، چه میزان ایجاد اشتغال کرده‌اید؟

تا کی باید نیروی کار کشور ما ابزاری برای آزمون و خطای تئوریهای شکست خورده اقتصادی باشد؟ اگر نیروی کار ما در دهه گذشته قربانی سیاست‌های خصوصی سازی شد، هم اکنون نیز ابزار اجرای تز اقتصاد راست‌گرایی افراطی قرار گرفته است. در شرایط کنونی کارگران کشورمان برای خاتمه دادن به چنین وضعیت اسفباری، و برای رسیدن به حداقلی از استانداردهای زندگی بایستی به عنوان یک جنبش اجتماعی ظاهر شوند. برای دستیابی به چنین هدفی ایجاد و سازماندهی تشکلهای کارگری ضروری است.

تغییر قانون کار به نفع کارفرمایان و سرمایه‌داران موجب اعتراض کارگران جامعه می‌باشد. چندیست تغییر قانون کار مجدداً در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است. اکنون مدتیست که دولت و مجلس سیاست گام به گام تحدید و حذف تدریجی قانون کار مصوب خود را آغاز کرده است. در این پروژه از حمایت محافل اقتصادی راست و اقتصاددانان دنباله روی تئوری‌پردازان تقدیس‌گر سرمایه - که غالباً در محافل رسانه ای حضور فعال دارند نیز بهره می‌برد. اینان با استفاده از کلیه تریبون‌های رسمی و غیررسمی، سعی دارند به جامعه بیاوراند که قانون کار کنونی مانع اشتغال و سرمایه‌گذاری است. حمله آنان اساساً متوجه مفادی از قانون کار است، که حمایت‌های ناچیزی از کارگران را دربر دارد. از جمله‌ی موادی که در چند سال اخیر مورد تعرض کارفرمایان و کارشناسان حامی آنان قرار

داشته ماده بیست و هفت قانون کار است، این ماده شروطی را برای اخراج کارگران از سوی کارفرمایان قایل شده است. مخالفین قانون کار در پی گنجانیدن موادی در قانون کار هستند که دست کارفرمایان را برای اخراج کارگران کاملاً باز بگذارد، تا هر گاه کارفرما اراده نمود، بتواند بی هیچ قید و شرطی کارگران را اخراج نماید.

پرواضح است منظور اینان از کنج‌نایدن چنین موادی مربوط به اخراج کارگران متخلف و یا مازاد نیست. چون هم اکنون نیز روزانه بسیاری از کارگران توسط مدیران و کارفرمایان اخراج و یا مشمول طرح تعدیل نیرو می‌شوند. هدف آنها حذف موانع بازدارنده برای اخراج بی قید و شرط کارگران و بازگشتی ارتجاعی به چندین دهه قبل است. امری که مغایر با خواست اردوی کار در گستره جهانی بشمار می‌رود. هر چند که تعدیل نیرو توسط کارفرمایان و یا مدیران آنها، هنوز هم رایج می‌باشد، ولی اولاً در بسیاری از کشورها قوانین اجتماعی بصورتی وجود دارد که زندگی کارگران اخراجی را تا حدودی تأمین نماید. ثانیاً اخراج کارگر توسط کارفرما در این کشورها بدون قید و شرط نیست. متعارضین قانون کار در حالی خواهان حذف ماده بیست و هفت می‌باشند، که پوشش تأمین اجتماعی در کشور ما بقدری ضعیف است که اخراج کارگر بمنزله تباهی زندگانی وی و از بین رفتن خود و خانواده‌اش می‌باشد.

از طرفی نیز همین قانون بدلیل سلب حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، و ضعیف بودن مواد حمایتی، مورد اعتراض جامعه کارگری ایران می‌باشد. کارگران خواهان آنند که این قانون از سوی نمایندگان تشکلهای مستقل کارگری مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به مقوله‌نامه‌های بین‌المللی و خواست کارگران اصلاح گردد. قانون کنونی بدلیل به رسمیت نشناختن حق تشکل مستقل برای کارگران و غیرقانونی دانستن هرگونه اعتصابی، قانونی ضدکارگری و غیردموکراتیک است. این قانون ناقض مقوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، به خصوص مقوله نامه هشتاد و هفت در خصوص حق ایجاد تشکل برای همه کارگران، تنظیم گشته و لازم است برای رفع موارد ضدکارگری مورد بازبینی قرار گرفته و تغییر نماید.

بدون شک، هدف مجموعه مخالفین قانون کار از جانب کارفرمایان، فراهم ساختن امکان استثمار هرچه بیشتر کارگران و نهایتاً کسب هر چه بیشتر سود برای سرمایه‌داران است. قوانین کار، در تمام دنیا به عقیده حامیان کارگران، قوانین دفاع از حقوق کار در مقابل افسار گسیختگی و زیاده‌خواهی عنصر سرمایه شناخته می‌شود. اما مخالفین کارفرمایی قانون کار، بدون توجه به سرنوشت محتوم کارگران و برای کسب ارزش اضافی هرچه بیشتر در صدد آنند که مواد حمایتی آن را حذف نمایند. این در شرایطی است که سالانه تنها بیست و هفت هزار کارگر جان خود را در حوادث ناشی از کار از دست می‌دهند، و حداقل حوادثی که طی سالهای اخیر گزارش شده، صد و پنجاه هزار حادثه در سال در محیط کار می‌باشد. حذف قوانین حمایتی به معنای بی‌اعتنایی به جان و سرنوشت انسانهاست. اگر حراست از نیروی



پیام حمایت حزب کمونیست آفریقای جنوبی به کنگره ۱۱ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از حزب کمونیست آفریقای جنوبی
به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انگیزه‌های انقلابی ایجاد خواهد کرد.
برای مبارزه با خطرات نظامی گری، باید با اتحاد نیروهای طبقه‌ی کارگر بر علیه نقشه‌های نظامی ناتو به رهبری آمریکا در خاورمیانه مبارزه کرد و محدودیت‌های استراتژی‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سردرگمی کامل ایدئولوژیکی بورژوازی در نتیجه‌ی شکست در مقابله با بحران‌ها را بر ملا کرد.
از طریق رقابت‌های امپریالیستی، تحمیل جنگ‌ها از طرف آمریکا و متحدینش، و تشدید پروژه‌ی استبداد مطلقه بر علیه حقوق مردم بوسیله‌ی طبقه‌ی حاکم نباید هیچ آسیب دیگری بر مردم تحمیل شود.
این معضلات در دستور کار کنگره‌ی شما و برخورد اندیشه‌ها اولویت ویژه‌ای یافته‌اند. ما چشم به‌راه دستاورد تحلیل غنی شما در رابطه با بسیج کردن همه‌ی ایرانیان در راستای استقرار یک چارچوب اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی واقعاً دموکراتیک و برابری طلب خواهیم بود.

حزب ما خود را ملزم می‌داند که از طریق همبستگی با مردم ایران، اقدامات مشترک در راستای دفاع از چنین چارچوب دموکراتیکی را توسعه دهد.
برای کنگره‌ی شما آرزوی بهترین‌ها و دستاوردهای انقلابی داریم

بلید زیمانده

دبیر اول حزب کمونیست آفریقای جنوبی

۷ آوریل ۲۰۰۹

در دفاع از سوسیالیسم (۱۶)

اخراج فرخ نگهدار از سازمان

طرح پیشنهادی به کنگره یازدهم سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

رفقا! اینک که شما به نام کنگره و نمایندگان سازمان در مهم‌ترین همایش فدائیان خلق ایران - اکثریت گرد هم آمده، و "بررسی سیاست سازمان در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲" و "علل و عوامل ضربات سال ۶۵" را هم در دستور کار خود دارید، بنام بخشی از هواداران سازمان، شما را فرامی‌خوانیم بررسی‌ها خود را تنها به شناخت موارد یاد شده محدود نسازید. رفقا! پرداختن به اشتباهات و انحرافات نمی‌تواند از شناخت و معرفی عوامل و افراد شکل دهنده آن جدا باشد. انتقاد و انتقاد از خود صفت ممیزه هر کمونیست و فدایی راستین است، از همین رو ما از شما بی‌محاپاترین انتقاد و برخوردها را با عوامل ضربات ۶۵ و خطاهای سیاسی سازمان در اوایل انقلاب انتظار داریم.

سال‌های ۵۷ تا ۶۵ بحرانی‌ترین سال‌های سازمان در بعد از انقلاب بشمار می‌آید. بزرگترین خطاها و اشتباهات در این سال‌ها رقم خورد. سیاست فاجعه‌بار دفاع از جمهوری اسلامی، انشعابات مکرر در تشکیلات، شکل‌دهی خوش-بینانه و بی‌خردانه تشکیلات بخصوص بعد از ضربه به حزب توده، رفتار غیر مسئولانه در قبال اعضای تشکیلات داخل کشور پس از خروج رهبری، ناکارآمدی تشکیلاتی در مقابله با اقدام‌های تابستان و پاییز سال ۶۷ انحلال تشکیلات بجای ترمیم و سازماندهی مناسب و ... در وهله نخست ناشی از مدیریت نادرست و انحراف رهبری سازمان و در مراحل بعدی کادرها و اعضای تشکیلات بوده است. البته نقش ضدانقلابی جمهوری اسلامی و ماشین سرکوب آن در دستگیری، شکنجه، زندان و اعدام فعالین سیاسی و فدائیان خلق را نباید از منظر دور داشت و تقصیر این همه تبهکاری را بیای اشتباهات رهبران سازمان نوشت. ولی جدای از نقش و سهم جمهوری اسلامی از آنچه که بخود ما برمی‌گردد، نقش رهبری وقت سازمان عمده و از میان رهبران سازمان نیز سهم آقای فرخ نگهدار بیش از دیگران بوده است. وی به لحاظ مسئولیت و احاطه‌اش بر تشکیلات، در تمامی این فجایع نقش اول و تعیین کننده‌ای داشته است. اگر بخواهیم با مراجعه به داشته‌های خود و آنچه که تاکنون آشکار گشته دادنامه‌ای علیه دبیر اول سابق کمیته مرکزی سازمان تنظیم کنیم، طوماری طولانی خواهد شد. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که رهبری سازمان و بخصوص فرخ نگهدار مسئولیت اصلی آن را بردوش دارند:

- تحمیل سیاست فاجعه‌بار حمایت از جمهوری اسلامی به تشکیلات
- تقلب در رأی‌گیری برای انتخاب اولین کمیته مرکزی سازمان در بعد از انقلاب، که به کنار گذاشتن رفیق هادی لنگرودی از کمیته مرکزی و آوردن فرخ نگهدار به جای او منتهی شد. روندی که در انشعاب اقلیت بی‌تأثیر نبود.

- پیش‌برد سیاست فاجعه‌بار اتحاد (ادغام) با حزب توده و در پیش گرفتن رفتاری که به انشعاب - اخراج - رفقای پیرو بیانیه ۱۶ آذر گردید.

- برخورد مشتمل کننده و غیر اخلاقی با رفیق لیلی رودی و تلقین عامل سیا بودن وی در جریان انشعاب ۱۶ آذر

- سازماندهی تهاجمی تشکیلات پس از ضربات اوایل دهه ۶۰ که ضربات فاجعه‌بار ۶۵ را منجر گردید.

- یارگیری‌های غیر دموکراتیک برای تسلط بر تشکیلات

- ایجاد رهبری در سایه از اوایل انتخاب به دبیر اولی کمیته مرکزی
- سازمان تحت رهبری وی نتوانست تشکیلات را برای تحمل ضرباتی که انتظار می‌رفت آماده نماید، از شدت ضربات بکاهد، و تمهیدات لازم را برای بعد از ضربات برنامه‌ریزی نماید.
- درگیری‌های درون تشکیلاتی ناشی از سوء مدیریت وی، کارایی سازمان را برای مقابله با موج اقدام‌های سال ۶۷ از بین برد. بطوریکه سازمان حتی نتوانست اعتراضات قابل توجهی را در خارج از کشور سازماندهی نماید.
- عدم همکاری با کمیسیون برکنده گنگره اول برای تحقیق در خصوص ضربات سال ۶۵
- سرقت اسناد سازمانی از گاو صندوق سازمان در تاشکند و عدم ارائه آن به کمیسیون تحقیق
- برنامه‌ریزی روند استتال سازمان برای انحلال، با سوق دادن اعضای سازمان به عضویت مکرر در اتحاد - حزب - جمهوری‌خواهان
- متارکه با دیدگاه‌های سوسیالیستی و دفاع از سرمایه‌داری و ظرفیت‌های آن، در تمامی نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و در جشن بزرگداشت سازمان در سال ۸۶

- ...!

شواهد غیرقابل انکار حاکی از آنست که وی نه علاقه‌ای به بنیان‌های فکری پایه‌گذاران سازمان دارد و نه سوسیالیسم را نظامی انسانی و قابل دسترس می‌داند. فرخ نگهدار سال‌هاست که با سازمان ما و جنبش فدایی علائق مشترکی ندارد، او از قیل این نام تنها ارتزاق می‌نماید. و عشق سرکردگی و نیاز به تأمین سیاهی لشکر از بدنه فدائیان است که بقای او را در سازمان توجیه می‌کند، تا نتواند بشکلی شرافتمندانه صفوف سازمان را ترک نماید.

مصلحه در پشت پرده با صاحبان قدرت جزء لاینفک شخصیت سیاسی نگهدار محسوب می‌گردد. و از آنجائیکه وی اساساً اعتقادی به نیروی توده‌ها ندارد، نگاهش همواره به سوی قدرت و خود شیفته قدرت بوده، و در این راه از انجام هیچ عملی ابا ندارد. عالی‌جناب سرخ‌پوش سازمان ما سالهاست که شورای مرکزی را در چنبره خود دارد، حتی اگر در شورای مرکزی سازمان حضور نداشته باشد. باند وی هنوز دارای ساختارهای ناشناخته‌ای در سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت می‌باشند.

فارغ از تمامی این مسائل فرخ نگهدار بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی سازمان در این سالها بایستی مسئولیت اصلی تمامی اشتباهات و انحرافات و ضرباتی را که به سازمان وارد آمده بپذیرد، وی اگر ذره‌ای از صداقت فدایی را در نهاد خود حفظ کرده بود، برای تمام عمر سیاست را کنار می‌گذاشت و به افتخار بازنشستگی سیاسی نایل می‌گردید. سیاست‌های نادرست وی در اعدام، شکنجه، زندانی و در بدری صدها رفیق سازمانی توسط رژیم جمهوری اسلامی مؤثر بوده است. فرخ نگهدار بعنوان متهم اصلی انحرافات سازمان، دفاع نامیوم از جمهوری اسلامی و عملکرد فاجعه‌بارش پس از خروج از ایران، می‌بایستی از سازمان کنار گذاشته شود. اخراج فرخ نگهدار از سازمان کمترین بهایی است که وی برای تمامی اشتباهات، انحرافات و جنایت‌های خود می‌پردازد.

رفقا! با اخراج فرخ نگهدار از سازمان برای همیشه، زخمی از زخم‌های فدائیان خلق را التیام بخشیم!"

زنده باد سوسیالیسم، صلح، دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

۱۸/۱/۱۳۸۸

از میان رویدادهای ایران و جهان

حداقل دستمزد نباید کمتر از یک میلیون تومان باشد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و اتحاد آزاد کارگران ایران، در بیانیه ای که قبل از عيد انتشار دادند، اعلام کردند: "که حداقل دستمزد کارگران در سال آینده نباید کمتر از یک میلیون تومان باشد."

در همین حال تصمیم گیری در مورد افزایش حداقل دستمزدها طبق روال هر ساله و بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی ۲۷۵ هزار تومان اعلام شده بود که با دست کاری آمارهای اعلام شده به کمتر از ۲۶۵ هزار تومان تقلیل یافت، است.

انفجار در معدن زغال سنگ بابینزو



انفجار معدن زغال سنگ بابینزو در زرنند کرمان باعث مرگ حداقل ۱۲ کارگر شده است. به گفته ای اسماعیل محمدولی روزنامه نگار حوزه کارگری این معدن پس از انفجاری که در سال ۱۳۸۴ در آن رخ داد، تعطیل شد اما با پیگیری های صاحبان آن که از بخش خصوصی و از افراد ذینفوذ استان کرمان هستند، مجدداً بازگشایی شد. این سومین انفجار طی ۴ سال گذشته در این معدن بوده است.

اعتراض فدراسیون اتحادیه های متحد کارگری سراسر پاکستان

"پیروز ایمیاز سید" دبیر کل فدراسیون اتحادیه های متحد کارگری سراسر پاکستان با نوشتن نامه ای به مقامات جمهوری اسلامی نگرانی و اعتراض خود را به نمایندگی از کارگران پاکستان در خصوص بازداشت و محاکمه فعالین کارگری در ایران اعلام کرد.

افزایش نرخ بیکاری در ایران

مرکز آمار نرخ بیکاری را در زمستان سال ۸۷ برابر با ۵/۱۲ درصد اعلام کرد. این در حالی است که اعلام کاهش نرخ بیکاری در پاییز سال گذشته به ۵/۹ درصد از سوی این مرکز حتی با پیشبینی وزیر کار نیز مغایر بود. اما این نرخ بیکاری واقعی در حالی که در اکثر کشورها به دلیل تاثیر بحران بازارهای مالی بر اقتصادشان در حال افزایش است را می توان ۵/۱۲ درصد دانست؟

واگذاری ۲۱ شرکت توسط ۵ وزارتخانه!

پنج وزارتخانه صنایع، نفت، اقتصاد، ارتباطات و راه در سال جاری باید بیش از ۶۴ میلیارد برگ سهم ۲۱ شرکت اصل ۴۴ و حاضر در جدول گروه دو سازمان خصوصی سازی را در بورس واگذار کنند. تجمع کار هر روز کارگران اخراجی لوله سازی اهواز کارگران کارخانه لوله سازی اهواز که تا کنون ۱۸۰۰ نفر از آنها اخراج شده اند؛ هر روز مقابل مکان هایی چون استانداری، اداره کار و کارخانه تجمع می کنند. حمیدرضا عباسی نماینده کارگران این کارخانه گفت: از آغاز سال جدید تا کنون ۱۸۰۰ کارگر لوله سازی اهواز از سوی مدیریت به دلیل آنچه که عدم نقدینگی عنوان می شود اخراج شده اند و با وجود اعتصاب و تجمع هر روزه هنوز هم به مشکل آنان رسیدگی نشده است.

تعطیلی ۴۰۰ واحد تولیدی

علیرض محبوب دبیرکل خانه کارگر اعلام نمود: "در سال ۸۷ تعداد ۴۰۰ واحد تولیدی تعطیل گردیده که، ۲۰۰ هزار نفر از کارگران این واحدها بیکار گردیده اند."

فاصله طبقاتی ۱۶ برابری در ایران!

وزیر رفاه جمهوری اسلامی با تأیید فاصله طبقاتی بمیزان ۱۶ برابر در جامعه، اعلام نمود: دولت در نظر دارد با اجرای هدفمند کردن یارانه ها، فاصله طبقاتی حال حاضر را که ۱۶ برابر به ۹ برابر کاهش دهد.

رکودی "عمیق تر" در راه است

صندوق بین المللی پول می گوید که اقتصاد جهان در سال ۲۰۰۹ به میزان یک و سه دهم درصد منقبض خواهد شد. این برخلاف ارزیابی پنج ماه پیش است که پیش بینی کرده بود تولید جهانی در سال ۲۰۰۹ نیم درصد افزایش خواهد یافت. آی ام اف می گوید به این ترتیب رکود فعلی "عمیق ترین رکود در دوره پس از جنگ جهانی دوم" است به طوری که میزان تولید در کشورهایی که ۷۵ درصد اقتصاد جهان را تشکیل می دهند کاهش خواهد یافت. براساس آمار آخرین سه ماهه سوم سال ۲۰۰۸، افت سالانه میزان تولید در کشورهای ثروتمند رقم "بی سابقه" هفت و نیم درصد است. آی ام اف انتظار دارد که این روند در سه ماه نخست سال جاری ادامه یابد. چشم انداز تجارت جهانی حتی تیره تر است

و آی ام اف اکنون پیش بینی می کند که حجم تجارت در سال ۲۰۰۹ یازده درصد افت کند و در سال ۲۰۱۰ نیز رشد قابل توجهی نداشته باشد. افت شدید تجارت، که برای ۶۰ سال موتور رشد اقتصاد جهان بوده است، اکنون گریبان بسیاری از کشورهای ممتاز صادراتی به خصوص در آسیا را می گیرد.

اتکاء به خلق، رمز پیروزی

چهارشنبه گذشته، چهارمین انتخابات عمومی بعد از لغو نژادپرستی برگزار گردید. در حدود ۸۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند. طبق آخرین گزارشها، کنگره ملی آفریقا ۶۷ درصد آراء کسب کرد. کنگره ملی آفریقا در اتحاد با حزب کمونیست آفریقا و کنگره اتحادیه های کارگری پیروز شد. حتی رسانه های غربی که با جدیت زیادی اوضاع پیش از نتایج را زیر نظر داشتند، پنهان نمی کنند که پیروزی کنگره ملی آفریقا بعنوان یک حزب چپ در اتحاد تنگاتنگ با حزب کمونیست و سازمانهای طبقه کارگر، حساسیت شدید سیاستمداران و روزنامه نگاران غربی را برانگیخته است.

آمریکا رکورد زد!

در ماه فوریه حدود ۶۴۸ هزار نفر دیگر به لشکر بیکاران آمریکا افزوده شده است. ارزیابی ها نشان می دهد نرخ بیکاری در آمریکا طی ماه فوریه به ۷.۹ درصد یعنی به بالاترین رقم در ۲۵ سال گذشته رسیده است. به گزارش خبرگزاری رویترز، گسترش بحران مالی و رکود اقتصادی تاثیر منفی بر فعالیت شرکت ها، موسسات و کارخانه های آمریکایی بر جای گذاشته و آنها را به کاهش شدید هزینه ها و اخراج کارکنان خود واداشته است.

اجلاس احزاب کمونیست و چپ خاورمیانه و حوضه مدیترانه در حمایت از مردم فلسطین

اجلاس احزاب کمونیست و چپ کشورهای خاورمیانه و حوضه مدیترانه در روزهای ۷ و ۸ فروردین ماه به میزبانی آکل، حزب زحمتکشان مرقی قبرس، در نیکوزیا، پایتخت کشور قبرس برگزار شد. در دستور کار این اجلاس دو روزه، که با همکاری گروه نمایندگان چپ و کمونیست پارلمان اروپا برگزار می شد، بررسی "تحولات فلسطین و توافق بر سر اقدامات مشترک در حمایت از مردم فلسطین" و همچنین "بحران مالی جهان، ریشه های آن و راه های برخورد با آن" قرار داشت. ویژگی این اجلاس شرکت هیئت های نمایندگی طیف وسیعی از نیروهای چپ و کمونیست و از جمله حزب چپ آلمان، حزب چپ سوئد، ائتلاف "سبز- سرخ" دانمارک، گروه چپ نمایندگان پارلمان اروپا، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست فدراسیون روسیه، احزاب عمده فلسطین و عمده ترین احزاب کمونیست خاورمیانه و اروپا، بود.

پیروزی چپها در السالوادور

در انتخابات یکشنبه ۱۵ مارس که در شرایطی نابرابر در السالوادور برگزار گردید، نامزد حزب چپ دموکراتیک "فاراوندو مارتی" ماریسیو فونس ۴۹ ساله بر رودریگو آلیوی ۴۳ ساله رئیس سابق پلیس کشور و نماینده حزب مافوق دست راستی و محافظه کار آرینا که مستقیماً از ترکیب افراد "جوخه های مرگ" مورد پشتیبانی آمریکا در دهه ۱۹۸۰ تشکیل یافته بود، پیروز شد. انتخابات السالوادور پنجره بی است به تحولات تاریخی امریکای لاتین در چند دهه گذشته و نضج گرفتن سوسیالیسم انسان گرا در نیمکره جنوبی.



تظاهرات زنان در کابل

صدها تن از زنان افغان، در اعتراض به تصویب قانون خانواده در مجلس این کشور و بر علیه بالا گرفتن خطر حاکمیت دوباره قوانین ارتجاعی در خیابان‌های کابل دست به تظاهرات زده و خواهان لغو این قانون ضدانسانی و زن‌ستیز گردیدند. اما تظاهر کنندگان با گروه بزرگتری از مردان و زنانی روبرو شدند که که ناسزا می‌گفتند و به سوی زنان سنگ می‌انداختند و آنها را متهم می‌کردند که تحت تاثیر نیروهای خارجی ضداسلامی قرار گرفته‌اند.



معلمان از ششم اردیبهشت اعتراض می‌کنند

کانون صنفی معلمان ایران روز اول اردیبهشت با انتشار بیانیه ای اعلام کرد به دلیل عدم پای بندی مسئولین حکومت به وعده های داده شده ی خود، اعتراض معلمان که در اسفند ماه سال گذشته به حال تعلیق درآمد بود، از روز ششم اردیبهشت ماه، آغاز خواهد شد. در این اطلاعیه آمده است:

۱- روز یکشنبه ششم اردیبهشت ۱۳۸۸ معلمان محترم ضمن حضور در مدرسه و کلاس درس از تدریس خودداری نموده، دانش آموزان را نسبت به دلایل انجام این حرکت آگاه خواهند کرد.

۲- روز دوشنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۸۸ معلمان محترم ضمن حضور در مدرسه از رفتن به کلاس خودداری کرده، و در حفظ نظم کلاس و مدرسه با مدیران و معاونان محترم مدارس همکاری خواهند کرد.

۳- روز سه شنبه هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ به عنوان روز اعتراض ملی معلمان نامگذاری شده، و تمامی معلمان از حضور در مدرسه خودداری خواهند نمود.

بدیهی است، چنانچه حداکثر تا پایان روز دهم اردیبهشت ۱۳۸۸ احکام جدید، مطابق قانون مدیریت خدمات کشوری بطور کامل و از ۱/۱۱/۱۳۸۶ صادر نشود، حق برگزاری اعتراضات گسترده تر را خصوصاً در هفته ی معلم برای همکاران فرهنگی محفوظ میدانیم.

خانواده ی زال زاده، همچنان در پی دادخواهی

در دوازدهمین سالگرد قتل ابراهیم زال زاده، نویسنده ی آزادی خواه ایران از سری قتل های زنجیره‌ای، خانواده و دوستان وی با انتشار اطلاعیه‌ای خطاب به مردم آزاده ایران، تحت عنوان “گرامی باد یاد ابراهیم زال زاده، جان فشانده ی راه آزادی”، یاد و خاطره ی او را گرامی داشته و بار دیگر خواهان دادخواهی و معرفی آمران و عاملان این جنایت شده اند.

تورم در سال گذشته به ۲۵.۴ درصد رسید

روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد: نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به اسفندماه سال ۱۳۸۷ نسبت به دوازده ماه منتهی به اسفندماه سال ۱۳۸۶ (نرخ تورم سال ۱۳۸۷) معادل ۲۵/۴ درصد می‌باشد. لازم به توضیح است که نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به بهمن ماه ۱۳۸۷ نسبت به دوازده ماه منتهی به بهمن ماه ۱۳۸۶ معادل ۲۵/۹ درصد بود که نشان دهنده آهنگ کاهش رشد نرخ تورم در اسفندماه می‌باشد.

کاهش ۰.۵ درصدی و نامحسوس نرخ تورم در اسفندماه در حالی اعلام می‌شود که رئیس کل بانک مرکزی با توجیه کاهش نرخ تورم به ۱۹ درصد در اسفندماه سال ۸۷ و کاهش آن به ۱۵ درصد در نیمه نخست سال جاری، با افزایش ۲۵ درصدی افزایش دستمزد کارگران مخالفت کرده بود.

نخستین دستگیری ها در سال ۱۳۸۸

در هنگام تحویل سال نو، مأموران انتظامی و امنیت رژیم با پرخاش و توهین و تهدید اقدام به دستگیری حدود ۳۰ نفر از خانواده‌های دانشجویان زندانی، تعدادی از فعالان حقوق بشر و برخی از دانشجویانی نمودند، که تحویل سال نو را در مقابل زندان اوین برگزار می‌کردند. در این دستگیری ها سعید فیض‌الله زاده، مهدی عربشاهی، میلاد اسدی، بهاره هدایت، آقای اسدی و همسرشان پدر و مادر میلاد اسد، اردشیر رضوان مادر و شوهر خاله نریمان مصطفوی دانشجوی پلی تکنیک که چند هفته پیش دستگیر شده بود، خانم بهمنی و چند نفر دیگر را بازداشت کردند. همچنین فرید هاشم و امین نظری نیز مقابل ساختمان پلیس امنیت بازداشت شدند.

وخامت اوضاع اقتصادی ایران

اسحاق جهانگیری، وزیر پیشین صنایع و معادن دولت احمدی نژاد با انتشار نامه ای سرگشاده، نوشته : هزینه کردن منابع ارزی حاصل از فروش نفت در سه و نیم سال اخیر، نه تنها به رشد سرمایه‌گذاری منجر نشده، بلکه متوسط رشد سرمایه‌گذاری طی همین دوره را به کمتر از ۵۰٪ عملکرد برنامه توسعه سوم کاهش داده است.

وخامت اوضاع اقتصادی در ایران را میتوان با اشاره به دیگر آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی است نشان داد. این آمار میگویند که رشد سرمایه گذاری صنعتی و تأسیس و بهره برداری از بنگاه های صنعتی در سه و نیم سال گذشته در قیاس به دوره پیش از آن، بیش از ۵۱٪ کاهش داشته است. علاوه بر این آهنگ رشد متوسط سرمایه گذاری صنعتی در تأسیس بنگاه های صنعتی (بالای ۱۰۰ نفر مزدگیر) با ۷۸٪ کاهش از ۸۴٫۳٪ ۲۸٫۸٪ درصد کاهش یافته است.

با توجه به آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران روشن میشود که میانگین نرخ صدور جواز بنگاه های صنعتی بالای ۱۰۰ نفر با ۸۰٪ کاهش از ۳۳٪ به تقریباً ۷٪ رسیده است. در فاصله سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷ نرخ سرمایه گذاری در تأسیس و بهره برداری از واحدهای صنعتی بیش از ۶۷٪ کاهش داشته است.

نامه خانواده های دانشجویان دربند امیرکبیر به احمدی نژاد

خانواده‌های دانشجویان دربند امیرکبیر با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به احمدی نژاد خواستار رعایت حقوق شهروندی فرزندان خود شدند. در این نامه آمده است: “ در روزهای گذشته شما به طور شخصی خواهان بررسی پرونده رفسان صابری شده‌اید و از سوی دیگر بارها از نقض حقوق فلسطینیان و سایر افراد دردمند جهان گلایه کرده‌اید. بی شک ما نیز از تلاش برای آزادی صابری و هر گونه احقاق حق مظلومان جهان خوشحال می‌شویم اما چرا این اقدامات شما تنها متوجه شهروندان سایر کشورهای جهان است چرا از تضییع حقوق فرزندان این مملکت توسط اوامر تحت امرتان جلوگیری نمی‌کنید؟ چرا باید دانشجویان امیرکبیر به جرم انتقاد در زندان باشند؟ مگر فرزندان جوان و بی گناه ما شهروند نیستند؟”



بازداشت‌های گسترده در بلوچستان

روند نگران کننده نقض حقوق بشر در بلوچستان با آغاز موج جدید دستگیریها و تداوم بازداشت تنی دیگر از فعالان مدنی و سیاسی این منطقه در حالی که حداقل قواعد و معاهدات حقوقی در مورد آنان رعایت نگردیده، شدت گرفته است. متأسفانه به دلیل ضعف نهادهای مدنی و دیده‌بان و همچنین شرایط امنیتی حاکم بر منطقه زوایای بسیاری از این بازداشتها همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

محاکمه‌ی دو فعال جنبش زنان

دو فعال جنبش زنان به نام‌های پرستو الهیاری و عالیه مطلب‌زاده در روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین محاکمه شدند. دلیل محاکمه‌ی این دو نفر حضور در محل گالری ابریشم تهران در روز ۲۳ خرداد سال گذشته بود. در این روز، قرار بود که برای بررسی نتایج تجمع ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ در تهران، نشست در این محل برگزار شود، که به دلیل ممانعت نیروهای اطلاعاتی و امنیتی لغو شد. در این روز ۹ تن از فعالان زنان، که از سازماندهندگان این نشست بودند توسط مأموران پلیس دستگیر و روانه زندان شدند.

منوع الخروج شدن ناصر زرافشان

دکتر ناصر زرافشان، وکیل پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و عضو کانون وکلای ایران که به دعوت انگلیکا بر، مسئول روابط اروپا و ایران در پارلمان اروپا و آقای دانیل کوهن بندیت، رئیس احزاب سبزه‌های کل اروپا، برای سخنرانی در نشست “بررسی مسایل محیط زیست در ایران و روابط ایران و اروپا در آینده” راهی مقر پارلمان اروپا در بروکسل بود، که درست در لحظه آخر و در ۲۷ اسد ۸۷ در فرودگاه تهران ممنوع الخروج و گذرنامه وی ضبط شد.

انتخابات رئیس جمهوری و تحریم آگاهانه

بر علیه امنیت کشور و ... هستند. در این میان چپ‌ها که از نظر سردمداران جمهوری اسلامی بشکلی مضاعف، بیشترین اتهامات را یدک می‌کشند، چه وظایفی درقبال انتخابات دارند؟ نیروهای چپ نیاستی خود را با ایده تغییر و تحول جمهوری اسلامی از طریق فلان طیف مترقی نظام! یافلان شخص اصلاح طلب، یا دمکرات ماب متوهم سازند. بدتر از آن نیاستی خود را مخیر به انتخاب بد از میان بد و بدتر نمایند. چنین پندار باطل و انتخاب نامیونی تنها از آثار مهاجرت لعنتی است که سالهاست بر گرده نیروهای اپوزیسیون و خصوصاً چپ سنگینی می‌کند. نیروها چپ بطور اعم و کمونیست‌ها بطور اخص مؤظفند مسائل سیاسی را بسان تمامی پدیده‌های اجتماعی در شکل کلی و در ارتباط با دیگر پدیده‌ها بررسی نمایند. آنها باید متوجه شده باشند که ساختار نظام جمهوری اسلامی بر علیه دمکراسی و خواست مردم پایه‌ریزی شده است، و ژست‌های دمکراتیک‌مآبانه جناح‌های مختلف آن صرفاً ترفندی برای حفظ نظام می‌باشد. مهره‌هایی مانند سیدحسین موسوی و یا خانمی علی‌رغم ادعاهای انتخاباتی‌شان، تنها برای بدست آوردن منصب سردفتری رهبریت سر برآستان خدمت می‌سایند. آنها بهتر از همه می‌دانند که رئیس‌جمهور بودن در چارچوب نظام ولایت فقیه تنها تدارکاتچی بیت رهبری بودن است و بس. اگر میر حسین موسوی تا دیروز ادعا می‌نمود: "که من نمی‌توانم سردفتر رهبری باشم" و یا "در این مشارکت از هیچ کس کسب تکلیف نکرده‌ام. فقط وطن را در خطر می‌بینم و می‌خواهم نسبت به وطن ادای دین نمایم." می‌بینیم که امروز چگونه برای کسب این منصب کذائی به پابوسی خامنه‌ای می‌رود و کسب اجازه می‌نماید. ادعاهای نیم‌بند ایام انتخابات نیاستی ملاک عمل و موضع‌گیری ما باشد. احمدی‌نژاد هم موقع انتخاب زیاد از عدالت اجتماعی و شکار دانه‌درشت‌ها می‌زد، اما دیدیم و دیدید که وضع توده‌های زحمتکش روز به روز بدتر و بدتر شد. تا اینکه رسیدیم به وضعی که همگان شاهدش هستیم. این حرف‌ها هیچ نیستند مگر برای حفظ نظام ولایت فقیه. نظامی آکنده از استبداد، اقتداگرایی و تمامیت‌خواهی.

رققا! مشارکت و بدتر از آن ایفای نقش در چنین مضحکه‌ای کاملاً مغایر اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و در منافات با نظرات چپ می‌باشد. رققا! چپ دنبال امحای تمامی اشکال ستم اجتماعی و نفی هرگونه اختلاف طبقاتی حاکم بر جامعه است. ستمی که هم اکنون در جامعه ایران بطور غیرقابل تحملی اعمال می‌شود. جامعه‌ای که بیداد و بیدادگری، بیکاری، فحشاء، اعتیاد، ارتشاء، زورمداری و قلدرمآبی چنان بر آن مستولی گردیده که دست تمامی حکومت‌های مافیایی و تبه‌کاری را از پشت بسته است. بر این مبنا تحریم آگاهانه و فعالانه انتخابات در شرایط حاکم بر میهن مان نه تنها انفعال و انزوا محسوب نمی‌شود. بلکه اقدامی انقلابی و انسانی در راستای کسب حقوق سیاسی اکثریت مردم و مبارزه‌ای برای محو ستم طبقاتی و برقراری پلورالیزم بر مبنای خواست‌های دمکراتیک کاملاً برحق و مشروع توده‌ها می‌باشد.

* دریافتی از طریق ایمیل

توضیح

چند روزی انتشار نشریه را به تأخیر انداختیم تا مصوبات کنگره یازدهم سازمان فداییان خلق ایران اکثریت منتشر شود، تا بتوانیم ضمن انعکاس مصوبات کنگره، در صورت امکان به نقد آن بنشینیم. متأسفانه بدلیل عدم انتشار بیرونی تصمیمات کنگره این مهم را به شماره بعدی نشریه وامی‌گذاریم. امیدواریم به یاری شما خوانندگان و همراهان گرامی در شماره بعدی مطالب پرباری در این خصوص داشته باشیم.

هیئت تحریریه کار داخل کشور

به تحقیق می‌توان ادعا نمود که طی دو سده اخیر، انتخابات شیوه‌ای مقبول و مطلوب برای گزینش رهبران سیاسی و زمامداران حکومتی در سرتاسر جهان بوده است. درحال حاضر حتی کشورهایی که با رژیم‌های دیکتاتوری، اقتدارگر، توتالیتر، تمامیت خواه، استبدادی و خودکامه اداره می‌شوند، برای عوام‌فریبی هم که شده و یا برای گرفتن ژست دمکرات و تظاهر به رعایت حقوق سیاسی و مدنی شهروندان گه‌گاه از ابزار انتخابات استفاده می‌کنند. پوشیده نیست که آنان به منظور استتار ماهیت ضد‌مردمی و پنهان ساختن سازوکارهای واقعی‌شان در انتصاب‌های سیاسی از این ابزار استفاده می‌کنند. این سناریو تکراری در سطح جهان، سه دهه است که در جامعه ما نیز جریان دارد. ژست دمکراتیک سران جمهوری اسلامی چنان عریان و بی‌پرده خود را می‌نمایند که هر طفل دبستانی هم به موقع انتخابات به لُزسرابی می‌نشیند و خیلی ساده اعلام می‌شود که این هم یک نوع عوام‌فریبی و کلاهدرداری سیاسی است.

بار دیگر انتخاباتی دیگر، انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی در پیش است. این که با کدامین توجیه می‌توان از این نمایش مضحک به نام انتخابات یاد کرد، بایستی مدافعین آن توضیح دهند. شاید استناد آنان به شورای نگهبان باصل استصواب‌بیش و یا شهروندان مدرجش، پلورالیزم اسلامی و یا ده‌ها مورد دیگر می‌باشد؟! اصلاً می‌شود این جریان را حتی نمایشی از انتخابات نام نهاد؟ انتخاباتی که در آن احزاب مدافع نظام موجود را هم به خودی و غیرخودی تقسیم کرده‌اند. و جناح‌های دیگر کوچکترین اجازه‌ای برای انتقاد از عمل کرد حاکمان، خصوصاً ولی فقیه را ندارند، چه سهمی از دمکراسی برده است، تا بخواهیم از مشارکت و یا عدم مشارکت مخالفین نظام بحث به میان آوریم؟ در چنین شرایطی القای توهم تغییر و یا حتی رفرم از طریق ساز و کارهای موجود رژیم اگر توهم سازی نباشد، توهم‌زدگی است. اگر چه جناح‌های حکومتی در بوق و کرنا می‌دمند، که برگزار کننده انتخاباتی سالم و دمکراتیک هستند، ولی کل قضیه بازی عوام‌فریبانه‌ای برای کشیدن توده‌ها به پای صندوق‌های رأی، جهت مشروعیت بخشیدن به اعمال ناشایست و غیراصولی و غیردمکراتیک نظام حاکم می‌باشد.

در این میان و در چنین شرایطی هستند کسانی از سر ناآگاهی و یا عوام‌فریبی تحریم و شرکت نکردن در انتخابات را انفعال و یا گریز از دایره عمل محسوب می‌نمایند. زهی قباحات! اگر کسی به این استدلال بخواهد ما را دلال مظلم قرار دهد. به نظر ما در این شرایط تحریم هم‌چو جریاناتی بهترین راه حل و بهترین نوع مقاومت در برابر نافیان حقوق ملت می‌باشد. شهروندان آگاه و آزادی‌خواه به هیچ وجه ملزم به تحمل شرایط تحمیلی از طرف حاکمان قدرت، و تسلیم به خواست آنها و پیشبرد منویات منحوس و پلید ایشان نیستند. اگر شهروندان مدنی بتوانند، باشعور و آگاهی، و با یکپارچگی، عدم شرکت و تحریم را جایگزین تسلیم نمایند، جوابی دندان شکن به عوام‌فریبان و ریاکاران داده‌اند.

ما حداقل از صد سال قبل از انقلاب مشروطیت که نخستین طلبیه و تجربه انتخابات در ایران می‌باشد- به این طرف تجاری از آزادی و انتخابات نسبتاً آزاد را از سرگذرانیده ایم، هرچند که این ایام در طول این یک قرن بسیار کوتاه بوده‌اند. در این یک صد سال چند سالی در صدر مشروطیت، اوایل حکومت رضاخان میرپنج، دهه بیست و یکی دو سال اوایل انقلاب ۵۷ شاهد چنین روندی بوده‌ایم. شاید جمع این ایام در طی یک قرن به ده - بیست سال هم نرسد. ولی در همین ایام کوتاه نیز علیرغم تمامی فشارها و تضییقات ما حرف‌هایی برای گفتن داشته‌ایم. ولی متأسفانه در بیشتر این یک صد سال انتخابات نمایشی از تقلب، تحمیل، تهدید آن‌هم بشکلی عریان بوده است. انتخابات در ایران اکثراً غیردمکراتیک و برای تأمین خواست عده‌ای تئوکرات و در راستای پایمال نمودن حقوق اکثریت ملت زحمتکش و ستم‌دیده عمل کرده است.

ما تنها در انتخاباتی مجاز به مشارکت می‌باشیم، که امکان اعمال تغییرات نسبی بوسیله آن میسر باشد. در صورتیکه انتخابات در جمهوری اسلامی کاملاً در جهت عکس این خواست عمل می‌کند. در جمهوری اسلامی تئوکرات‌ها یاری تابش و تحمل هیچ نیروی مخالفی، حتی اسلامی را ندارند. تمام اپوزیسیون از نظر حاکمان قدرت، ملحد، وطن‌فروش، عاصی



به مناسبت سالگرد اعدام بیژن جزنی و یاران او

سی‌ام فروردین (۱۳۵۴) ترور و قتل ۹ تن از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق به دست ساواک در تپه‌های اوین



است. رفقا، بیژن جزنی، حسن ضیاظریفی، محمد چوپانزاده، احمد جلیل‌افشار، عزیز سردمدی، سعید کلانتری و عباس سورکی از سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و زنده یاران، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان‌خوشدل از سازمان مجاهدین خلق ایران، نه رزمنده راه آزادی و بهروزی زحمتکشان بودند که ناجوانمردانه در تپه‌های اوین بدست سازمان امنیت پهلوی به رگبار بسته شدند.

ترور رفیق بیژن جزنی و دیگر یارانش ضربه مهلکی بود که به سازمان ما در اوایل حیاتش وارد گردید. تصمیم رژیم شاه برای حذف مرکز فرماندهی جنبش فدائی انتخابی آگاهانه و حساب شده بود. بطوریکه سازمان ما و دیگر جریان‌های فدائی پس از گذشت چهار دهه هنوز هم نتوانسته‌اند، از تأثیرات منفی آن خود را رها سازند. برآستی اگر رفیق بیژن جزنی زنده بود، جنبش فدائی دچار چنین تشتت و بی‌هویتی می‌گردید؟ آیا کتوله‌های سیاسی می‌توانستند به رهبری جنبش فدائی دست یابند؟

یادشان گرامی و راهشان پررهرو باد.

یاد یاران یاد باد



این بار به قصد دادخواهی فریاد برمی‌آوریم

عده‌یی از خانواده‌های اعدام‌شدگان دهه‌ی شصت با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن تخریب دوباره‌ی خاوران خواستار:

۱. پی‌گردد و محاکمه‌ی مسببین کشتارهای دهه‌ی شصت، به ویژه اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۶۷
۲. اعلام اسامی دفن‌شدگان در گورستان خاوران
۳. دریافت کیفرخواست این اعدام‌شدگان و افشای علت اعدام آنان
۴. دریافت وصیت‌نامه اعدام‌شدگان
۵. به رسمیت شناختن محل دفن آنان به عنوان گورستان خاوران
۶. اجازه‌ی گذاشتن سنگ بر قبرشان
۷. پی‌گردد و محاکمه‌ی کسانی که اقدام به تخریب خاوران و آزار خانواده‌ها می‌کنند،
۸. بازگرداندن حقوق شهروندی خانواده‌ها و متوقف کردن هرگونه محدودیت و محرومیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در مورد آنان... و
۹. پذیرش و حفظ گورستان خاوران به عنوان سندی تاریخی از جانب نهادهای محلی و بین‌المللی هستیم.

صادق هدایت



۵۸ سال پیش، بیستم فروردین ۱۳۳۰ صادق هدایت، بزرگترین نویسنده معاصر ایران به دنبال آخرین سفر کوتاهش به خارج، در شهر پاریس، خودکشی کرد. مرگ او، برای ادبیات معاصر ایران، ضایعه‌ای عظیم و جبران‌ناپذیر بود. هدایت به سوی سرنوشتی رفت که در سراسر دوران زندگی کوتاهش با آن در جدال و کشمکش بود. در نوسان دردناکش بین مرگ و زندگی بالاخره پنجه مرگ غالب شد و در "تیم‌روز خفه‌ای" جانش را گرفت. مرگی بود دردناک، بی‌رحمانه و تأسف‌ناز، که خلاء محسوسی در محیط ادبیات معاصر ایران به‌وجود آورد. بی‌شک در شیوه و سبکی که هدایت بنیان‌نهاد، در میان نویسندگان معاصر ایران کسی حتی بگردش نمی‌رسد. به همین سبب فقدان او، برای حیات ادبی ایران، خیلی گران و جبران‌ناپذیر بشمار آمد. یادش گرامی باد.

شب شمال و خواب جنوب

امروز

اول ماه مه

یازدهم اردی‌بهشت ماست

کارفرمای بزرگ ما

دارد برای ما سخن می‌گوید.

ما در صحن کهن سال کارخانه

سعی می‌کنیم سخنان شورانگیز آقا را

به خاطر بسپاریم.

کارفرمای بزرگ ما می‌گوید:

عدالت زیباترین تکیه کلام ماست

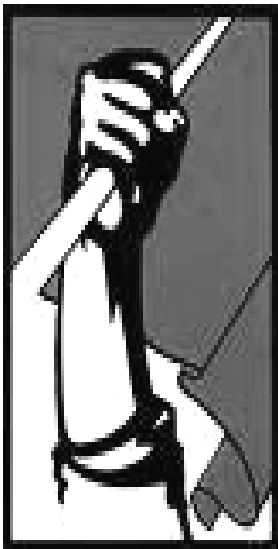
ما از منطقه مین گذاری شده مالکیت عبور خواهیم کرد

این سرنوشت واپسین طبقه تاریخ است

ما می‌دانیم جهان

بی وجود کارگران ... پیر خواهد شد.

"سید علی صالحی"



زندانی سیاسی آزاد باید گردد